

A decorative graphic on the right side of the page. It features three blue circles of varying sizes, each composed of concentric circles in different shades of blue. Two thin blue lines intersect at the top left, forming a large angle that frames the circles. The circles are positioned at the top right, middle right, and bottom right of the page.

آرایه‌ها

دبیرستان رازی

سعید جعفری



فهرست

۱	تشبیه
۳	استعاره
۵	مجاز
۷	کنایه
۹	حسن آمیزی
۱۱	واج آرایی
۱۲	سجع
۱۳	موازنه و ترصیع
۱۴	جناس
۱۶	مراعات نظیر
۱۷	تضاد
۱۸	متناقض‌نما
۱۹	تلمیح (اشاره)
۲۰	تضمین
۲۱	اغراق (بزرگ‌نمایی)
۲۲	حسن تعلیل
۲۴	اسلوب معادله
۲۶	ایهام
۲۸	ایهام تناسب
۳۰	لف و نشر
۳۱	مثل

تشبیه

هرچند مانند کردن چیزی به چیز دیگر که به جهت داشتن صفت یا صفتهایی با هم مشترک اند.

هر تشبیه دارای چهار رکن یا پایه است:

۱. **مشبّه:** چیز یا کسی که بر آنیم آن را به کس یا چیز دیگری مانند کنیم.
 ۲. **مشبّه‌به:** چیز یا کسی که مشبه به آن مانند می شود.
 ۳. **ادات تشبیه:** کلمه یا واژه‌هایی که نشان دهنده پیوند شباهت اند؛ مانند: همچون، چون، چونان، مثل، مانند، به سان، سا، شبیه، نظیر، همانند، به کردار، وار، گون، وش و ...
 ۴. **وجه شبه:** صفت یا ویژگی مشترک بین مشبه و مشبه‌به است. (دلیل شباهت)
- رستم مانند شیر دلاور است. مشبه (رستم)؛ ادات تشبیه (مانند)؛ مشبه‌به (شیر)؛ وجه شبه (دلاور)

تشبیه رسا یا فشرده

اگر در تشبیه دو رکن وجه شبه و ادات تشبیه سترده شود، تشبیه رسا پدید می‌آید. تشبیه رسا بر دو گونه است: **اضافی**، **غیراضافی**.

رستم شیر است. مشبه (رستم)؛ مشبه‌به (شیر). [اسنادی]

اگر در تشبیه رسا، «مشبه‌به» و «مشبه» به یکدیگر اضافه شوند، **اضافه تشبیه‌ی** پدید می‌آید. (ترکیب وصفی، اضافه تشبیه‌ی نمی شود).

ساختار: «مشبه‌به» - «مشبه» یا «مشبه» - «مشبه‌به».

حجاب ظلمت، باران رحمت، کیمیای سعادت. در این حالت، مضاف الیه معمولاً «مشبه» است و مضاف، «مشبه‌به».

ظلمت مانند حجاب است. رحمت مانند باران و سعادت مانند کیمیا ست.

خودآزمایی

۱- در تشبیه زیر کدام یک از پایه‌های تشبیه سترده شده است؟

«مرد نفال از صدایش ضجه می‌بارید و نگاهش مثل خنجر بود.»

الف) وجه شبه	ب) مشبه	پ) ادات تشبیه	ت) مشبه‌به
--------------	---------	---------------	------------

۲- در بیت زیر یک تشبیه بلیغ بیابید و مشبه‌به آن را پیدا کنید.

«دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی»

۳- با نگرش به بیت زیر وجه شبه را در مصراع نخست و مشبه را در مصراع دوم بیابید.

«گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم ورت به دست نیابد چو سرو باش آزاد.»

۴- در بیت زیر یک تشبیه بلیغ بیابید و مشبه‌به آن را پیدا کنید.

«آخر چه معنی آرم از آن آفتاب‌روی کو بوی خود به صبح‌دم از من دریغ داشت»



۵- در کدام گزینه « تشبیه اضافی » وجود دارد؟

- الف) درد عشقی کشیده ام که مپرس
 ج) غم عشق و غم عشق و غم عشق
- ب) ای هست کن اساس هستی
 د) بار فراق دوستان بس که نشسته بر دلم

(سراسری ریاضی، ۷۸)

۶- در کدام بیت از آرایه تشبیه بهره برده شده است؟

- الف) جواهر تو بخشی دل سنگ را
 ب) خرد را تو روشن بصر کرده‌ای
 پ) مهندس بسی جوید از رازشان
 ت) همه آفریدست بالا و پست
- تو در روی جوهر کشتی رنگ را
 چراغ هدایت تو بر کرده‌ای
 نداند که چون کردی آغازشان
 توئی آفریننده هر چه هست

۷- در کدام گزینه آرایه ادبی « تشبیه » دیده نمی‌شود؟

- الف) چو یک ماه شد همچو یک سال بود
 ج) یکی خنجر آبگون برکشید
- ب) چو خندان شد و چهره شاداب کرد
 د) زدش بر زمین بر به کردار شیر

(سراسری ریاضی، ۷۶)

۸- در کدام بیت آرایه تشبیه به کار برده نشده است؟

- الف) خلق همه یکسره نهال خدایند
 ب) شمع خرد بر فروز در دل و بشتاب
 پ) گر نپسندی هم که خونت بریزند
 ت) معدن علم است دل چرا بنشاندی
- هیچ نه برکن تو زین نهال و نه بشکن
 با دل روشن به سوی عالم روشن
 خون دگر کس چرا کنی تو به گردن؟
 جور و جفا را در این مبارک معدن؟

۹- در عبارت: «فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترند و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیوردد» چند

(گزینه ۲، ۸۳)

اضافه تشبیهی به کار رفته است؟

- الف) سه (ب) چهار (پ) پنج (ت) شش
- ۱۰- در بیت پیش رو مشبّه به کدام واژه است؟ « دل درین پیرزن عشوه گر دهر میند / کاین عروسیست که در عقد بسی دامادست » (گزینه ۲، ۸۲)

- الف) پیرزن (ب) عشوه گر (پ) دهر (ت) داماد
- ۱۱- در بیت « چو یک ماه بگذشت بر دخت شاه / یکی پورش آمد چو تابنده ماه » مشبّه کدام است؟

- الف) پور (ب) دخت (ج) ماه (د) شاه

(گزینه ۲، ۸۲)

۱۲- در کدام گزینه هر چهار پایه تشبیه در هر دو مصراع آمده است؟

- الف) گفتا برو چو خاک تحمل کن ای فقیه
 ب) روز چو شمعی به شب نور ده و سرفراز
 پ) چون شب‌نم اوفتاده بدم پیش آفتاب
 ت) برق با شوکم شراری بیش نیست
- یا هر چه خوانده ای همه در زیر خاک کن
 شب چو چراغی به روز کاسته و نیم تاب
 مهرم به جان رسید و به عیوق برشدم
 شعله طفل نی‌سواری بیش نیست



استعاره

هر گاه واژه‌ای به دلیل شباهتی که با واژه دیگر دارد به جای آن به کار رود، استعاره پدید می‌آید. استعاره گونه‌ای تشبیه است که در آن مشبّه یا مشبّه‌به سترده شده باشد. اگر مشبّه بیفتد، استعاره آشکار و اگر مشبّه‌به بیفتد، استعاره پنهان پدید می‌آید. به دیگر سخن، استعاره پنهان مشبّه‌ای است که با یکی از ویژگی‌های مشبّه‌به آمده باشد.

☞ بر کشته‌های ما جز باران رحمت خود مبار. ☞ **معنای لفظی** ← کشته: فرآورده، محصول.

☞ **معنای استعاری** ← منظور از «کشته» معنای لفظی آن نیست؛ بلکه مقصود «کردار بندگان» است. کردار بندگان همچون «کشته» ایشان است (استعاره آشکار = مصرحه).

☞ در اضافه استعاری جزء یا ویژگی مشبّه‌به به مشبّه اضافه می‌شود. مانند: شاخه معرفت؛ معرفت مانند درختی است که شاخه‌ها دارد. در بنیاد این اضافه این گونه بوده است: شاخه درخت معرفت (ترکیب وصفی، اضافه استعاری نمی‌شود).

☞ استعاره‌های پرکاربرد: نرگس: چشم، سنبل: گیسو، حُقه: دهان، کمان: ابرو، گل: چهره/گونه، لعل: لب، در/ مروارید: دندان، ناوک: مژه، سرو: قد، چرخ: آسمان، بت: یار/ دلبر.

جان بخشی (انسان انگاری/ تشخیص)

هر گاه با نسبت دادن کنش، حالت یا صفتی انسانی به غیر انسان، به آن جلوه انسانی ببخشیم، آدم انگاری پیکر می‌پذیرد. جان بخشی گونه‌ای استعاره پنهان (مکنیه) است.

☞ طعنه بر طوفان مزین، ایراد بر دریا مگیر، بوسه بگیرفتن ز ساحل موج را دیوانه کرد.

☞ دیوانگی و بوسه گرفتن به موج بازخوانده شده است و بوسه گرفتن موج، بوسه دادن ساحل را به همراه دارد؛ پس در مصراع دوم به ساحل و موج حالت و رفتاری انسانی نسبت داده شده است.

انواع اضافه: اضافه تشبیهی، اضافه استعاری، اضافه اقترانی

اضافه تشبیهی: «مشبه به - مشبه» یا «مشبه - مشبه به»؛ مانند: دیو - نفس / لب - لعل

اضافه استعاری: «یکی از ویژگی‌های «مشبه به» - «مشبه»»؛ مانند: چنگال - مرگ

اضافه اقترانی: این اضافه ارزش ادبی ندارد و فقط همراهی را نشان می‌دهد. می‌توان میان مضاف و مضاف الیه «از روی، به نشانه» را افزود؛ مانند: او «دست ارادت» به سوی من دراز کرد.

خودآزمایی

۱۳- در کدام بیت از استعاره مصرحه استفاده نشده است؟

- ۱) هزاران نرگس از چرخ جهانگرد
 - ۲) قطره تویی، بحر تویی، لطف تویی، قهر تویی
 - ۳) شمس و قمرم آمد، سمع و بصرم آمد
 - ۴) در این بازار اگر سودی است با درویش خرسند است
- فرو شد تا برآمد يك گُل زرد
قند تویی، زهر تویی، بیش میازار مرا
و آن سیم برم آمد، و آن کان زرم آمد
خدایا منعم گردان به درویش و خرسندی



(سراسری تهری، ۸۹)

۱۴- در کدام گزینه همه ترکیبها اضافه استعاری است؟

- (الف) لب استخر، گل همیشه بهار، سایش بال، عطر الهام
 (ب) دست مهربان مرگ، درخت عزیز، گل خیال، غرفه بلند آسمان
 (پ) سینه کویر، آغوش خوش بختی، سقف شب، دست طبیعت
 (ت) پرنده خیال، چشمه موج نوازش، سایه پرواز، زبان گویای خدا

۱۵- در بیت: «هزاران نرگس از چرخ جهانگرد / فرو شد تا بر آمد یک گل زرد» چند استعاره به کار رفته است؟ (گزینه ۲، ۸۳)

- (الف) دو (ب) سه (پ) پنج (ت) چهار

۱۶- «ورم» و «کافور» در بیت زیر استعاره از چیست؟ «تا درد و ورم فرو نشیند / کافور بر آن ضماد کردند.» (آرژان انسانی، ۸۷)

- (الف) کوه- پماد (ب) برآمدگی - ماده ای خوشبو (پ) کرم - برف (ت) برآمدگی - برف

(سراسری زبان، ۸۷)

۱۷- در کدام بیت تعداد استعاره بیش تر از بیتهای دیگر است؟

- (الف) پرتو خورشید عشق بر همه افتد وایک
 (ب) یک سر به پای همت ازین دامگاه دیو
 (پ) به خنده، ای بت بادام چشم شیرین لب
 (ت) چون بگویی بفشانی گهر از حقه لعل
 (الف) پرتو خورشید عشق بر همه افتد وایک
 (ب) یک سر به پای همت ازین دامگاه دیو
 (پ) به خنده، ای بت بادام چشم شیرین لب
 (ت) چون بگویی بفشانی گهر از حقه لعل

۱۸- مفعول در کدام گزینه دارای آرایه استعاره است؟

- (الف) باران اشک از ابر دیدگان جاری ساخت.
 (ب) دیو نفس را در وجود خود نابود کرد.
 (پ) ظلمت جهل را از اندیشه خود دور کرد.
 (ت) دیو را در وجود خود نابود کرد.

(گزینه ۲، ۸۳)

۱۹- در کدام بیت آرایه تشخیص دیده می‌شود؟

- (الف) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق
 (ب) هر کسی کو دور ماند از اصل خویش
 (پ) آتشست این بانگ نای و نیست باد
 (ت) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست
 (الف) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق
 (ب) هر کسی کو دور ماند از اصل خویش
 (پ) آتشست این بانگ نای و نیست باد
 (ت) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست

(سراسری زبان، ۹۵)

۲۰- در کدام بیت هر دو آرایه «تشبیه و استعاره» وجود دارد؟

- (۱) صد باد صبا اینجا با سلسله می رقصند
 (۲) گرچه مهر بریدی و عهد بشکستی
 (۳) پیش رویت دگران صورت بر دیوارند
 (۴) ما چو دادیم دل و دیده به طوفان بلا
 (الف) این است حریف ای دل تا باد نپیمایی
 (ب) هنوز بر سر پیمان و عهد و سوگندم
 (پ) نه چنین صورت و معنی که تو داری دارند
 (ت) گو بیا سیل غم این خانه ز بنیاد ببر

۲۱- در کدام بیت استعاره مکنیه به کار نرفته است؟

- (۱) در این بازار اگر سودی است با درویش خرسند است
 (۲) فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید
 (۳) در آفاق گشاده است ولیکن بسته است
 (۴) گل بخندید و باغ شد پندرام
 (الف) خدایا منعم گردان به درویش و خرسندی
 (ب) شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد
 (پ) ز سر زلف تو در پای دل ما زنجیر
 (ت) ای خوشا این جهان بدین هنگام

مجاز

می به کار رفتن واژه در معنای غیر قاموسی مجاز نام دارد؛ به شرط وجود پیوند (علاقه) و نشانه واگردان (قرینه صارفه) آن قدر گرسنه‌ام که می‌توانم تمام **ظرف** را بخورم.

☀️ رابطه میان دو واژه ظرف و غذا در این عبارت رابطه مجازی است.

معنای لفظی ← ظرف: آوند، بشقاب. معنای مجازی ← ظرف: غذا، آنچه در درون ظرف است.

پیوند (علاقه): ظرف و مطروف نشانه واگردان: خوردن زیرا ظرف را نمی‌توان خورد.

تفاوت مجاز و استعاره: در استعاره تشبیه وجود دارد؛ اما در مجاز علاقه‌های دیگر نیز یافت می‌شود. هر استعاره ای مجاز است؛ اما هر مجازی استعاره نیست.

مجازهای پرکاربرد.

سر: قصد زبان: سخن جهان، دشت، عالم: مردم جهان، مردم دشت، مردم عالم جام: نوشیدنی

خودآزمایی

۲۲- کدام یک از واژه‌های زیر در معنای مجازی است؟ دلیل آن را بنویسید.

برو هر چه می‌بایدت پیش گیر / سر ما نداری سر خویش گیر.

۲۳- در مصراع‌های زیر قرینه مجاز و علاقه‌های هر یک را پیدا کنید.

الف) اگر رفت و آثار خیرش نماند / نشاید پس مرگش الحمد خواند.

ب) دیدی که خون ناحق پروانه شمع را / چندان امان نداد که شب را به سر برد.

پ) پیش دیوار آنچه گویی هوش دار / تا نباشد در پس دیوار گوش (ت) « برآشفت ایران و برخاست گرد.»

۲۴- در کدام گزینه آرایه مجاز هست؟

الف) از دیگران حدیث جوانی شنیده‌ام. ب) همچون بنفشه سر به گریبان کشیده‌ام.

پ) در سینه‌ام هزار خراسان نهفته است. ت) نالم به دل چو نای من اندر حصار نای.

۲۵- در بیت: « پند من بشنو بجز با نفس شوم بدسرشت / با همه عالم مدارا کن کمال این است و بس » کدام واژه «مجاز» است؟

الف) پند ب) عالم ج) کمال د) نفس

۲۶- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه «مجاز» به کار رفته است.

الف) از تو به که نالم که دگر داور نیست
ب) برو هر چه می‌بایدت پیش گیر
پ) سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی
ت) همه دشمنی از تو دیدم ولیکن
وز دست تو هیچ کس بالاتر نیست
سر ما نداری سر خویش گیر
چه خیالها گذر کرد و گذر نکرد خوابی
نگویم که تو دوستی را نشایی



۲۷- در عبارت " دیدم که نفسم در نمی‌گیرد و آتشم در هیزم تر اثر نمی‌کند." کدام يك از علاقه‌هاي مجاز دید می‌شود؟

- (۱) جزئیه (۲) کلیه (۳) محلیه (۴) سببیه

(سنجش، ۸۶)

۲۸- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه «مجاز» به کار رفته است.

الف) کمان بزه را به بازو فگند
ب) بترس از جهاندار یزدان پاک
پ) چنین آن دو ماهر در آداب ضرب
ت) تهمت گز اندر کمان راند زود

ببند کمر بر بزد تیر چنند
خرد را مکن با دل اندر مگاک
ز هم رد نمودند هفتاد حرب
بران سان که سیمرخ فرموده بود

۲۹- واژه «دشت» در کدام بیت دارای آرایه مجاز است.

الف) یکی دشت با دیدگان پر ز خون
ب) تنش چون خورش جست و آمد به شور
پ) چو شاه آن متاع گران سنج دید
ت) به نام ایزد یکی دشت از غزالان

که تا او کی آید ز آتش برون
یکی دشت پیش آمدش پر ز گور
چو دریا یکی دشت پر گنج دید
همه بالا بلندان خردسالان

۳۰- در کدام گزینه مجاز دیده نمی‌شود؟

- (۱) خروشید و مژگان پر از آب کرد.
(۲) و گر دیدی که با هم يك زبان اند.
(۳) دل من رای تو دارد، سر سودای تو دارد.
(۴) به يك نعره، کوهی زجا برکنند.

(گزینه ۲، ۸۶)

۳۱- واژه «جهان» در همه بیتهای زیر به جز بیت ... دارای آرایه «مجاز» است.

الف) گلبرگ را ز سنبل مشکین نقاب کن
ب) جهان انجمن شد بر آن تخت او
پ) بی‌سـر و پا گدای آن جا را
ت) نهادند بر دشت هیزم دو کوه

یعنی که رخ بپوش و جهانی خراب کن
شگفتی فرومانده از بخت او
سر به ملک جهان گران بینی
جهانی نظاره شده هم گروه

۳۲- در همه بیتها به جزء بیت..... مجاز به علاقه جزئیه مشهود است.

(۱) پیش دیوار آنچه گویی، هوش دار
(۲) برآشفت ایران و برخاست گرد
(۳) به یاد روی شیرین بیت می گفت
(۴) اگر رفت و آثار خیرش نماند

تا نباشد در پس دیوار گوش
همی هر کسی کـرد ساز نبرد
چو آتش تیشه می زد، کوه می سفت
نشاید پس مرگش الحمد خواند

۳۳- در همه‌ی گزینه‌ها به جز آرایه‌ی مجاز وجود دارد .

- (۱) چو صیثش در افواه دنیا فتاد
(۲) گر نبندی زین سخن تو خلق را
(۳) تهمت گز اندر کمان راند زود
- تزلزل در ایوان کسرا فتاد
آتشی آید بسوزد خلق را
بر آن سان که سیمرخ فرموده بود

سیه شد جهان پیش آن نامدار

(۴) بزد تیر بر چشم اسفندیار



کنایه

می پوشیده سخن گفتن درباره کاری است؛ به دیگر سخن به کار بردن واژه در معنای غیر قاموسی (هنری) است، به گونه ای که رابطه میان معنای هنری و قاموسی التزام باشد.

آب از دستهایش نمی‌چکد.

معنای لفظی ← نمی‌گذارد قطره‌ای آب از دستهایش بر روی زمین بچکد.

معنای کنایی ← هیچ چیزی از او به دیگران نمی‌رسد، بسیار ناخن خشک است.

می تفاوت استعاره با کنایه: در ژرف ساخت استعاره، تشبیه پنهان است و در ژرف ساخت کنایه التزام و بایستگی ۲- در کنایه معنای حقیقی شدنی است و در استعاره ناشدنی ۳- کنایه معمولا عبارت است و استعاره معمولا واژه.

فرهنگ کنایه‌ها.

آرایش جان کردن: تازه و بانشاط شدن	پای بر فرق فرقدان گذاشتن: به جایگاه بالایی رسیدن
آوای دوست از دشمن پدید آمدن: شناختن دوست از دشمن	پای گور جستن: پا لب گور داشتن، نزدیک به مرگ بودن
از بر سدره شاهراه داشتن: از جایگاه بالایی برخوردار بودن	خار در جگر شکستن: رنجیدن و آزریدن
از خود بدر شدن: سرگشته شدن	دست ساییدن: کوشید
در مغاک کردن: تباه کردن	ژاژ خاییدن: بیهوده گفتن
بسته قبا: آماده کاری شدن	شمار گرفتن: حساب و کتاب کردن
به عیوق پرشدن: به جایگاه بالایی رسیدن	کمر بستن: آماده کاری شدن

خودآزمایی

۳۴- در جمله‌ها و شعرهای زیر کنایه‌ها را بیابید و مفهوم آن‌ها را بنویسید.

(الف) ای غنچه خندان، چرا خون در دل ما می‌کنی / خاری به خود می‌بندی و ما را ز سر وا می‌کنی.

(ب) گفت خاموش که هر کس که جمالی دارد / هر کجا پای نهد دست ندارندش پیش

۳۵- در کدام بیت «کنایه» به کار نرفته است؟

تا بوسه گاه وادی ایمن برانیم
مقصد دیار قدس همپای جلودار
پروا مکن بشتاب همت چاره ساز است
بانگ از جرس برخاست وای من خموشم

(الف) گاه سفر شد باره بر دامن برانیم
(ب) تکبیر زن لیبیک گو بنشین به رهوار
(پ) گاه سفر آمد برادر ره دراز است
(ت) از هر کران بانگ رحیل آید به گوشم



۳۶- در کدام بیت «کنایه» به کار نرفته است؟

- (الف) تا کمال علم او ظاهر شود
 (ب) چون نبود او را معین خانه ای
 (پ) عشق شوری در نهاد ما نهاد
 (ت) همه آفریدست بالا و پست
- این همه اسرار بر صحرا نهاد
 هر کجا جا دید رخت آن جا نهاد
 جان ما در بوتۀ ی سودا نهاد
 توئی آفریننده هر چه هست

۳۷- در کدام بیت «کنایه» به کار نرفته است؟

- (الف) چون نبود او را معین خانه ای
 (ب) در این سرای بی کسی کسی به در نمی‌زند
 (پ) از قضا آینه چینی شکست
 (ت) چون خاک در هوای تو از پا افتاده ام
- هر کجا جا دید رخت آنجا نهاد
 به دشت پر ملال ما پرده پر نمی‌زند
 خوب شد اسباب خود بینی شکست
 چون اشک در قفای تو با سر دویده ام

(سنجش، ۸۸)

۳۸- در همه بیتها به جز بیت ... دوبار آرایه «کنایه» به کار رفته است.

- (الف) عمرها در زیر دامن برد سعدی پای صبر
 (ب) جهان چو حادثه ای پای در رکاب آرد
 (پ) بر درگه عشق گر مرا بار افتد
 (ت) گل زشبنم نتوانست عرق کردن خشک
- سر ندیدم کز گریبان وفا برداشتن
 عنان فتنه بدان چشم نیم خواب دهد
 کاری بکنم که پرده از کار افتد
 بس که در کوی تو بازار تماشا گرم است

(سنجش، ۸۷)

۳۹- در کدام بیت «کنایه» به کار نرفته است؟

- (الف) بیامد به شبگیر بسته کمر
 (ب) بدان را ز بد دست کوتاه کنیم
 (پ) برافراخت پس دست خبیر گشا
 (ت) برفتند گردان همه شاد و مست
- به پیش منوچهر پیروزگر
 زمین را به کین رنگ دیبه کنیم
 پی سر بریدن بیفشرد پا
 گرفته یکی دست دیگر به دست

(سنجش، ۸۶)

۴۰- در کدام بیت «کنایه» به کار نرفته است؟

- (الف) چو ننمود رخ شاهد آرزو
 (ب) بیفشرد چون کوه پا بر زمین
 (پ) چو شیر خدا راند بر خصم تیغ
 (ت) چو نازش به اسب گرانمایه دید
- به هم حمله کردند باز از دو سو
 بخایید دندان به دندان کین
 به سر کوفت شیطان دو دست دریغ
 کمان را به زه کرد و اندر کشید

۴۱- کدام گزینه «کنایه» به شمار نمی‌رود؟

- (الف) بدسگالی (ب) هم عنانی (پ) چانه زدن (ت) قد علم کردن

۴۲- در کدام بیت «کنایه» دیده نمی‌شود؟

- (الف) کسی کاو هوای فریدون کند
 (ب) نهان گشت آیین فرزندگان
 (پ) همان کاوه آن بر سر نیزه کرد
 (ت) خروشید و برجست لرزان ز جای
- سر از بند ضحاک بیرون کند
 پراکنده شد کام دیوانگان
 همانگه ز بازار برخاست گرد
 بدرید و بسپرد محضر به پای



حس آمیزی

می‌تواند اگر موضوعی را که مربوط به حس است، به حس دیگری بازخوانیم، آرایه حس آمیزی آفریده می‌شود. مانند: **خبر تلخی بود.** در این عبارت «تلخی» که مربوط به حس چشایی است، به خبر بازخوانده شده است. اما خبر با حس چشایی دریافت نمی‌شود و مربوط به حس شنوایی است. **حواس پنجگانه:** شنوایی، بینایی، بویایی، بساوایی (لامسه)، چشایی

خودآزمایی

(سراسری زبان، ۸۵)

۴۳- در کدام بیت «حس آمیزی» به کار رفته است؟

یا چو مردان اندر آی و گوی در میدان فکن
درد باید پرده سوز و مرد باید گام زن
رخ چو عیاران نداری جان چو نامردان مکن
گر همی صحرات باید چنگ درزن در رسن

الف) یا برو همچون زنان رنگی و بویی پیش گیر
ب) هر خسی از رنگ گفتاری بدین ره کی رسد
پ) برگ بی برگی نداری لاف درویشی نزن
ت) چرخ گردون این رسن را می‌رساند تا به چاه

(سراسری قارچ کشور، ۸۵)

۴۴- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه «حس آمیزی» به کار رفته است.

پس از عمری که راه حرف و اشد
بوی محبت از نفسم می‌توان شنید
کز هیچ لب به گوش نوایی نمی‌رسد
به‌سلام خشک خوش‌کن دل ناتوان ما را

الف) به من نوبت نداد آن چشم پر حرف
ب) آن بلبلم که چون کشم از دل صغیر گرم
پ) گویا ز شش جهت در امید بسته اند
ت) به زبان چرب ای جان بنواز جان ما را

(سراسری تهری، ۸۴)

۴۵- کدام گزینه «حس آمیزی» به شمار نمی‌رود؟

شور کم کن کباب اگر داری
ثبت است بر جریده ی عالم دوام ما
سخن گفتنش با پسر نرم دید
تلخی که از زبان تو آید شنیدنی است

الف) تلخ منشین شراب اگر داری
ب) هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق
پ) رخ شاه کاووس پر شرم دید
ت) ما گر چه مرد تلخ شنیدن نه ایم لیک

(سراسری اتسانی، ۸۷)

۴۶- در کدام گزینه «حس آمیزی» دیده نمی‌شود؟

کاین کرامت سبب حشمت و تمکین من است
تا کار به رنگینی گفتار کشیده است
شیرین سخنی، نی ز لب یار کشیده است
هیچ کس بویی ز می در شیشه و ساغر ندید

الف) دولت فقر خدایا به من ارزانی دار
ب) صد می‌کده خون بیش کشیده است لب من
پ) بی چشمه نوشی نشود ناله گلو سوز
ت) نشئه دیدار ساقی رونق مستی شکست

(سراسری اتسانی، ۸۷)

۴۷- در کدام بیت «حس آمیزی» به کار نرفته است؟

تا از مژه هر ساعت لعل تربت افشانم
تلخی که از زبان تو آید شنیدنی است
بوی گل باشد دل‌سبیل گلستان
بوی محبت از نفسم می‌توان شنید

الف) با من به سلام خشک ای دوست زبان تر کن
ب) ما گرچه مرد تلخ شنیدن نه ایم لیک
پ) تا تو را آن بو کشد سوی جنان
ت) آن بلبلم که چون کشم از دل صغیر گرم



(سراسری قارچ کشور، ۸۶)

۴۸- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه «حس آمیزی» به کار رفته است.

(الف) از این شعرتر شیرین ز شاهنشاه عجب دارم
 (ب) به ترانه‌های شیرین به بهانه‌های رنگین
 (پ) بوی دهن تو از چمن می‌شنوم
 (ت) منگر بدین ضعیف تنم زان که در سخن

که سر تا پای حافظ را چرا در زر نمی‌گیرد.
 بکشید سوی خانه مه خوب خوش لقا را
 رنگ تو ز لاله و سمن می‌شنوم
 زین چرخ پرستاره فزون است اثر مرا

(سراسری هنر، ۸۴)

۴۹- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه «حس آمیزی» به کار رفته است.

(الف) به زبان چرب ای جان بنواز جان ما را
 (ب) گر مکرر سخن تلخ بگوید معشوق
 (پ) دل در طلب خنده ی شیرین تو خون شد
 (ت) ز طبع خسته من عذر خامشی می‌پذیر

به سلام خشک خوش کن دل ناتوان ما را
 عاشق آن نیست که این نکته مسلم دارد
 جان در طمع لعل شکرخای تو افتاد
 سخن گره نگشاید چو طبع بسته بود

۵۰- در کدام گزینه «حس آمیزی» دیده می‌شود؟

(الف) گلبرگ را ز سنبل مشکین نقاب کن
 (ب) با من به سلام خشک ای دوست زبان تر کن
 (پ) بی‌سرو و پا گدای آن جا را
 (ت) نهادند بر دشت هیزم دو کوه

یعنی که رخ بیوش و جهانی خراب کن
 تا از مژه هر ساعت لعل تررت افشانم
 سر ز ملک جهان گران بینی
 جهانی نظاره شده هم گروه

(سراسری هنر، ۸۵)

۵۱- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه «حس آمیزی» دیده می‌شود.

(الف) آخر این ناله ی سوزنده اثرها دارد
 (ب) زان لب که مژده ی نفسش آب زندگی است
 (پ) ز اضطراب دل و لکنت زبان پیداست
 (ت) رنگین سخنان در سخن خویش نهانند

شب تاریک فروزنده سحرها دارد
 دشنام تلخ هم به دعا گو نمی‌رسد
 که شمع هم، دم مردن وصیتی دارد
 از نکهت خود نیست به هر حال جدا گل

۵۲- در کدام بیت هر سه آرایه استعاره، تضاد و حس آمیزی وجود دارد؟

۱) منم چون شاخ تشنه در بهاران / تویی همچون هوای ابر و باران
 ۲) سخن که نیست در او استعاره نیست ملاحظت / نمک ندارد شعری که استعاره ندارد
 ۳) گفتم ای سرو سهی بنشین که بنشیند بلا / گفت بنشینم ولیکن نه بلا ، بالا است این
 ۴) بامن به سلام خشک ، ای دوست زبان تر کن / تا از مژه هر ساعت لعل تررت افشانم

(سراسری ،)

۵۳- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه «حس آمیزی» به کار رفته است.

(الف) بوی دهن تو از چمن می‌شنوم
 (ب) به ترانه‌های شیرین به بهانه‌های رنگین
 (پ) هیچ جوینده ندانست که جای تو کجاست
 (ت) شیرین تر از آنی به شکرخنده که گویند

رنگ تو ز لاله و سمن می‌شنوم
 بکشید سوی خانه مه خوب خوش لقا را
 آخرای خانه بر انداز سرای تو کجاست
 ای خسرو خوبان که تو شیرین زبانی



واج آرایی (نغمه حروف)

به تکرار واج صدادر یا بی صدا در یک بیت یا عبارت گفته می‌شود به گونه‌ای که طنین آن در گوش بر جای بماند.

رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار / دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود (واج آرایی با تکرار صامت /س/)

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است / باد خنک از جانب خوارزم وزان است (واج آرایی با تکرار صامتهای /خ/ و /ز/)

واج تکرار شونده می‌تواند صدادر یا بی صدا باشد. مانند: خوابِ نوشین بامداد رحیل / بازدارد پیاده را ز سبیل

تکرار واج صدادر کوتاه «-» در مصراع نخست آهنگ شعر را افزوده و آرایه واج آرایی پدید آورده است.

خودآزمایی

۵۴- در کدام بیت آرایه «واج آرایی» بیشتر به کار برده شده است؟

الف) جهان انجمن شد بر آن تخت او	شگفتی فرومانده از بخت او
ب) گر چین سر زلف تو مشاطه گشاید	عطار به یک جو نخرد نافه ی چین را
پ) رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار	دستم اندر دامن ساقی سیمین ساق بود
ت) گر چه سر عربده و جنگ داشت	تنگ شکر در دهن تنگ داشت

۵۵- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه «واج آرایی» به کار رفته است.

الف) خیال خال تو با خود به خاک خواهیم برد	که تا زخال تو خاکم شود عبیر آمیز
ب) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی	غنیمت است چنین شب که دوستان بینی
پ) هم عـقل دویـده در رکـابت	هم شرع خـزیده در پناهت
ت) گر چین سر زلف تو مشاطه گشاید	عطار به یک جو نخرد نافه چین را

۵۶- در بیت «ساقیا، لطف نمودی قدحت پر می باد / که به تدبیر تو نشویش خمار آخر شد» کدام آرایه‌های ادبی یافت می‌شود؟

(سپیش، ۸۹)

۲) تناسب- استعاره- تشبیه

۱) کنایه - مجاز- تشبیه

۴) واج آرایی- تناسب- مجاز

۳) استعاره- کنایه- واج آرایی

۵۷- در کدام بیت «واج آرایی» صدادر دیده می‌شود؟

الف) نرگس افسونگرش آهو شده	مستی آهو، برش آهو شده
ب) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی	غنیمت است چنین شب که دوستان بینی
پ) خیزید و خز آرید که هنگام خزان است	باد خنک از جانب خوارزم وزان است
ت) معدن علم است دل، چـرا بنـشاندی	جور و جفا را در این مبارک معدن؟

سجع

سجع یکسانی دو واژه است از نظر واج‌های پایانی، وزن یا هر دوی آن‌ها. آرایه سجع در عبارتی دیده می‌شود که دست کم دو جمله باشد. این آرایه بیشتر در نثر بکار می‌رود؛ زیرا سجع‌ها باید در پایان دو جمله بیایند و آهنگ دو جمله را به یکدیگر نزدیک سازند. سجع در عبارت مانند قافیه است در شعر. اگر سجع‌ها در یک جمله در کنار یکدیگر به کار برده شوند، «تضمین مزدوج» نامیده می‌شود. نثر و شعری که در آن آرایه سجع به کار رود، «مسجع» نام می‌گیرد.

هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است و چون بر می‌آید مفرح ذات

خودآزمایی

۵۸- در بیت زیر سجعها را بیابید و نوع آنها را بنویسید.

باز آ و بر چشم نشین، ای دلستان نازنین / کاشوب و فریاد از زمین بر آسمان می‌رود.

(سراسری ریاضی، ۸۱)

۵۹- در همه گزینه‌ها به جز بیت ... آرایه «سجع» به کار رفته است.

الف) صیاد بی روزی ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی اجل در خشک نمیرد.

ب) نصیحت پادشاهان کردن کسی را مسلم بود که بیم سر ندارد یا امید زر.

پ) با چندین فضیلت که دست راست را هست خاتم در انگشت چپ کنند.

ت) ارادت بی چون کسی را از تخت شاهی فرو آرد و دیگری را در شکم ماهی نکو دارد.

۶۰- در عبارت: «به حکم ضرورت سخن گفتیم و تفرّج کنان بیرون رفتیم در فصل ربیعی که صولت برد آرمیده بود و اوان دولت

(سراسری ریاضی، ۷۶)

ورد رسیده» کلمه‌های سجع کدامند؟

ب) صولت و ضرورت / آرمیده و رسیده

ت) گفتیم و رفتیم / بود و رسید

الف) سخن و بیرون / صولت و دولت

پ) گفتیم و رفتیم / آرمیده و رسیده



موازنه و ترصیع

هرگاه اجرای دو بخش از یک بیت یا عبارت، نظیر به نظیر، هم وزن و در واج پایانی یکسان باشند، آرایه **ترصیع** یا **گوهرنشانی** پدید می‌آید و اگر تنها هم وزن باشند آرایه **موازنه** پیکر می‌پذیرد. **مانند:**

ای منور به تو نجوم جلال
 وی مقرر به تو رسوم کمال

(ترصیع)

چرخ ار چه رفیع خاک پایت / عقل ار چه بزرگ طفل راحت

(موازنه)

چرخ ار چه رفیع خاک پایت
 عقل ار چه بزرگ طفل راحت

خودآزمایی

۶۱- در کدام بیت « موازنه » دیده می‌شود؟

(الف) مشو دل بسته ی هستی که دوران
 (ب) ای درون پرور برون آرای
 (پ) خیزید و خز آید که هنگام خزان است
 (ت) هم عقل دویده در رکاب

هر آن را زاد، زاد از بهر کشتن
 ای خرد بخشش بی خرد بخشای
 باد خنک از جانب خوارزم وزان است
 هم شرع خزیده در پناهت

۶۲- در کدام بیت « ترصیع » دیده می‌شود؟

(الف) جهان انجمن شد بر آن تخت او
 (ب) هم حرکاتش متناسب به هم
 (پ) رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار
 (ت) گر چه سر عربده و جنگ داشت

شگفتی فرومانده از بخت او
 هم خطواتش متقارب به هم
 دستم اندر دامن ساقی سیمینساق بود
 تنگ شکر در دهن تنگ داشت

۶۳- در کدام بیت « موازنه » دیده نمی‌شود؟

(الف) دادگر آسمان که داد بشر داد
 (ب) هم حرکاتش متناسب به هم
 (پ) غلام نرگس مست تو تاجدارانند
 (ت) دل به امید روی او همدم جان نمی‌شود

داد که تا خاکیان رهند ز بیداد
 هم خطواتش متقارب به هم
 خراب باده لعل تو هوشیارانند
 جان به هوای کوی او خدمت تن نمی‌کند



جناس

جناس یا همجنس‌سازی نزدیکی هرچه بیشتر واژه‌ها از نظر لفظی است. آرایه جناس بر دو گونه می‌شود: جناس همسان و جناس ناهمسان.

جناس همسان

جناس همسان، همه صداهای دو واژه یکسان است، اما معنا متفاوت.

خرامان بشد سوی آب روان / چنان چون شده باز یابد روان

روان در مصراع نخست به معنای جاری و در مصراع دوم به معنی جان و روح است.

اگر واژه‌ها از نظر معنایی یکسان باشند آرایه تکرار پدید می‌آید.

واژه‌های دومعنایی

شانه: (دوش، ابزار شانه زدن) - بهشت: (جنت، فروگذاشت) - مدام: (شراب، همیشه) - خویش: (خویشتن، خویشاوند) - پروانه: (اجازه، پرنده) - قلب: (مرکز، دل) - شیرین: (نام زنان، گونه‌ای مزه) - گور: (قبر، گورخر) - گوی: (بگو، توپ) - نی: (ساز، گیاه نی) - باز: (پرنده، دوباره، گشاده) - بند: (ریسمان، اسارت) - مهر: (خورشید، مهربانی) - چنگ: (ساز، مشت) - چین: (کشور، شکن) - دوش: (شانه، دیشب) - زاد: (توشه، به جهان آمد) - نهاد: (گذاشت، ذات) - داد: (عدالت، بخشید) - روان: (جان، جاری) - شوی: (بشوی، شوهر) - روی: (چهره، بالا، فلز روی) - جوی: (رود، بجوی) - گلیم: (گسترده، گل هستیم) - غریب: (ناشناس، شگفت) - قامت: (تکبیر نماز، قد) - پرده: (اصطلاح موسیقی، حجاب) - لب: (اندام تن، کنار) - هزار: (بلبل، عدد) - صاحب خیر: (پیک، دلبر).

جناس ناهمسان (ناقص)

هر گاه دو واژه در حرکت یا یک حرف با هم اختلاف داشته باشند جناس ناقص، پدید می‌آید؛ مانند: کمند / سمند - آمار / مار - بنات / نبات - کان / مکان - آرام / رام

خودآزمایی

۶۴- در کدام بیت آرایه «تکرار» به کار رفته است؟

الف) بیا و برگ سفر ساز و زاده برگیر	که عاقبت برود هر که او ز مادر زاد
ب) گر چین سر زلف تو مشاطه گشاید	عطار به یک جو نخرد نافه ی چین را
پ) مشو دل بسته هستی که دوران	هر آن را زاد، زاد از بهر کشتن
ت) موجها خوابیده‌اند آرام و رام	طبل طوفان از نوا افتاده است.

۶۵- در کدام بیت آرایه «جناس ناقص» به کار برده نشده است؟

الف) موجها خوابیده‌اند آرام و رام	طبل طوفان از نوا افتاده است.
-----------------------------------	------------------------------



(ب) دادگر آسمان که داد بشر داد
(پ) دل به امید روی او همدم جان نمی‌شود
(ت) گر چه سر عربده و جنگ داشت

داد که تا خاکیان رهند ز بیداد
جان به هوای کوی او خدمت تن نمی‌کند
تنگ شکر در دهن تنگ داشت

۶۶- در کدام بیت آرایه « جناس » به کار برده نشده است؟

(الف) خود کار من گذشت ز هر آز و آرزو
(ب) دوش از در میخانه کشیدند به دوشم
(پ) ایسا غزال سرای و غزل سرای بدیع
(ت) طومار ندامت است طبع من

از کان و از مکنان پی ارکانم آرزوست.
تا روز جزا مست ز کیفیت دوشم
بگیر چنگ به چنگ اندر و غزل بسرای
حرفی است هر آتشی ز طومارم

۶۷- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه « جناس » به کار رفته است.

(الف) عجب نیست از خاک اگر گل شکفت
(ب) بیا و برگ سفر ساز و زاد ره برگیر
(پ) طریقی فورا پیش گیر و رهی
(ت) از خطر خیزد خطر زیرا که سود ده چهل

که چندین گل اندام در خاک خفت
که عاقبت برود هر که او ز مادر زاد
همی‌رو که از قید هستی رهی
بر نبندد گر بترسد از خطر بازارگان

۶۸- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه « جناس » به کار رفته است.

(الف) هیچ یادم نرود این معنی
(ب) قدر استاد نکو دانستن
(پ) گفت استاد میر درس از یاد
(ت) پس مرا منت از استاد بود

که مرا مادر من نادان زاد
حیف استاد به من یاد نداد
یاد باد آنچه به من گفت استاد
که به تعلیم من استاد استاد

۶۹- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه « جناس تام » به کار رفته است.

(الف) اگر چه باد صبا روح پرور است به لطف
(ب) دادگر آسمان که داد بشر داد
(پ) بیا بیا بت رضوان غلام حورنهاد
(ت) از گلستان رخت باری مرا گر هیچ نیست

به گرد لطف تو کی می‌رسد فدای تو باد
داد که تا خاکیان رهند ز بیداد
که حق هر آن چه جمال است و حسن بر تو نهاد
مرغزار چشم من پر ارغوان است از غمت

۷۰- در همه‌ی ابیات ، به جز بیت نوعی جناس وجود دارد .

(۱) گر تو را آهنگ وصل ما نباشد گو مباش / دوستان را جز به دیدار تو هیچ آهنگ نیست
(۲) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می‌دهی / کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست
(۳) چشم از آن روز که بر کردم و رویت دیدم / به همین دیده سر دیدن اقوام نیست
(۴) ای نسیم صبح اگر باز اتفاقی افتد / آفرین گویی بر آن حضرت که ما را بار نیست

۷۱- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه « جناس تام » به کار رفته است.

(الف) منگر که شه و میری بنگر که همی‌میری
(ب) باری است سر بر دوش من خواهم فکندن بار من
(پ) بادت به دست باشد اگر دل نهی به هیچ
(ت) داد تو را داد تا که داد دهی تو

در زیر یکی توده رو «کم ترکوا» برخوان
باری چو باری می‌کشم بر دوش هم بار شما
در معرضی که تخت سلیمان رود به باد
گر ندهی داد داد از تو کند داد



مراعات نظیر

می‌آوردن دو یا چند واژه در یک بیت یا عبارت است که وابسته به یک مجموعه باشند. به این آرایه تناسب و همبستگی نیز می‌گویند؛ مانند: ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
 ☀ ابر و باد و مه و خورشید و فلک همگی پدیده‌های طبیعی اند.

خودآزمایی

۷۲- در کدام بیت آرایه « مراعات نظیر » بیشتر به کار برده شده است؟

(الف) تو قد بینی و مجنون جلوه ناز	تو چشم و او نگاه ناوک انداز
(ب) گر چین سر زلف تو مشاطه گشاید	عطار به یک جو نخرد نافه ی چین را
(پ) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی	غنیمت است چنین شب که دوستان بینی
(ت) از خطر خیزد خطر زیرا که سود ده چهل	بر نیندد گر بترسد از خطر بازارگان

۷۳- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه « مراعات نظیر » به کار رفته است.

(الف) ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند	تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری
(ب) آن پریشانی شبه‌ای دراز و غم دل	همه در سایه گیسوی نگار آخر شد
(پ) طریقی فرا پیش گیر و رهی	همی رو که از قید هستی رهی
(ت) تو قد بینی و مجنون جلوه ناز	تو چشم و او نگاه ناوک انداز

۷۴- در کدام بیت، آرایه « کنایه، حس آمیزی و مراعات نظیر » وجود دارد؟

- ۱) دل چاشنی گرفت از آن خنده‌های شور / آری نمک، لذیذ نماید کباب را
- ۲) گلزار خود ز سبزه بیگانه پاک کن / آن گاه در ملامت مردم زبان بر آر
- ۳) زاهد چرا شکست دل من به سنگ طعن / آیینۀ خدای نما را چرا شکست
- ۴) آن چه اول غرق گردد کشتی امید است / گر سراب ناامیدی را فلک دریا کند

۷۵- در کدام بیت آرایه « مراعات نظیر » می‌یابید؟

(الف) هر خسی از رنگ گفتاری بدین ره کی رسد	درد باید پرده سوز و مرد باید گام زن
(ب) درنیاید حال پخته هیچ خام	پس سخن کـوتاه باید والسلام
(پ) هزار سختی اگر بر من آید آسان است	که دوستی و ارادت هزار چندان است
(ت) چرخ گردون این رسن را می‌رساند تا به چاه	گر همی صحرات باید چنگ درزن در رسن



تضاد

هر گاه دو واژه با معنای ناساز در یک بیت یا عبارت به کار روند، آرایه **تضاد** یا **طباق** پدید می‌آید. **در نومیدی بسی امید است / پایان شب سیه سپید است.**
 واژه‌های «نومیدی» با «امید» و همچنین واژگان «سیه» با «سپید» متضاد و ناسازند.

۷۶- در کدام گزینه « تضاد » دیده نمی‌شود؟

(الف) من به هر جمعیتی نالان شدم
 (ب) درنیا بد حال پخته هیچ خام
 (پ) همچو نی زهری و تریاقی که دید
 (ت) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق

جفت بد حالان و خوش حالان شدم
 پس سخن کوتاه باید والسلام
 همچو نی دمساز و مشتاقی که دید
 تا بگویم شرح درد اشتیاق

۷۷- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه « تضاد » به کار رفته است.

(الف) آن نشنیدید که یک قطره اشک
 (ب) دوست نگردند فقیر و غنی
 (پ) گاه درخشید و گهی تیره ماند
 (ت) من گهر ناب و تو یک قطره آب

صبحدم از چشم یثیمی چکید
 یار نباشند شقی و سعید
 گاه نهان گشت و گهی شد پدید
 من ز ازل پاک و تو پست پلید

۷۸- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه « طباق » به کار رفته است.

(الف) از همه عالم نهان و بر همه پیدا
 (پ) صورت خوب آفرید و سیرت زیبا

(ب) در بن چاهی به زیر صخره صما
 (ت) قسمت خود می‌خورند منعم و درویش

۷۹- در کدام گزینه « تضاد » دیده می‌شود؟

(الف) کاش سپهرم چون تو برمی‌گزید
 (پ) من سفر دیده، ز دل کرده‌ام

(ب) من به نظر قطره به معنی یم
 (ت) من گهر روشن گنج دلم

۸۰- در کدام گزینه « تضاد » دیده نمی‌شود؟

(الف) بر خسک و خار همچو بر گل و سوسن
 (پ) جانها فدای آن که به جان شد فدای غیر

(ب) بیگانه شد ز خود که شود آشنای غیر
 (ت) نو شده‌ای، نو شده کهنه شود آخر

۸۱- در کدام گزینه « تضاد » دیده نمی‌شود؟

(الف) به طاعت خوی کن و ز معصیت دور
 (پ) که ندهد طاعتت با معصیت نور

(ب) که خود در سوختن مانی شب و روز
 (ت) مکن از کینه کس سینه پرسوز

۸۲- در کدام گزینه « تضاد » نیست؟

(الف) دیو چو بیرون رود فرشته درآید
 (پ) صالح و طالح متاع خویش نمودند

(ب) سخن کم گوی و چون گویی نکو گوی
 (ت) گمان بد مبر بر کس، نکو بر

(سراسری تهرانی)

(سراسری انسانی)



متناقض‌نما

هر گاه دو مفهوم متضاد را به هم بازخوانیم یا آن دو را در یک جای گرد آوریم، آرایه متناقض‌نما، تناقض یا پارادوکس پیکر می‌گیرد. مانند: جامه‌اش شولای عریانی است.

☀ « در این عبارت عریانی به شولا بازخوانده شده است؛ اما شولا نوعی جامه است و ضد عریانی.

خودآزمایی

۸۳- در کدام گزینه « تناقض » دیده می‌شود؟

- (الف) دلم امروز چو گاه از نفسی می‌لرزد
(ب) گر چو شبم نفسی هم نفس گل بودم
(پ) یافت با شکوه ره زندگی من پایان
(ت) حاصل ذوق و هنر خون جگر بود مرا

(سراسری ریاضی، ۸۹)

- یاد آن روز که چون کوه، جگر بود مرا
بهره زان وصل همان دیده تر بود مرا
چون جرس ناله من زاد سفر بود مرا
این هم از بی هنری‌های هنر بود مرا

۸۴- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه « تناقض » به کار رفته است.

- (الف) به هر غمی که رسد از تو خاطرم شاد است
(ب) سفر دراز نباشد به پای طالب دوست
(پ) هزار سختی اگر بر من آید آسان است
(ت) فغان که داد ز دست ستمگری است مرا

(سراسری هنر، ۸۹)

- که بنده تو ز بند کدورت آزاد است
که خار دشت محبت گل است و ریحان است
که دوستی و ارادت هزار چندان است
که هرگز نتوان گفت این چه بیداد است

۸۵- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه « تناقض » به کار رفته است.

- (الف) من پرستار دو چشم خوش بیمار توام
(ب) فلک به مردم نادان دهد زمام مراد
(پ) ختم پایانیم مهر آغاز کن
(ت) من عهد تو سخت سست می‌دانستم

(سراسری انسانی، ۸۹)

- گر چه بیمارپرستی بتر از بیماری است
تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس
ای که در آغاز پایانی هنوز
بشکستن آن درست می‌دانستم

۸۶- در همه بیتها آرایه متناقض‌نما وجود دارد بجز:

- (۱) ز بندگی شما صد هزارم آزادی است
(۲) به روز افغانی و شب یا ربی داشت
(۳) خامشی از کرده‌های بد به فریادم رسید
(۴) دعوی هستی در این میدان دلیل نیستی است

(عمومی فارغ از کشور، ۹۵)

- که سلطنت کند آن کاو گدای شماست
به یمن عشق خوش روز و شبی داشت
بی زبانی‌ها زبان عذرواهی شد مرا
هر که فانی می‌شود موجود می‌دانیم ما

۸۷- در کدام بیت آرایه متناقض‌نما وجود دارد؟

- (الف) دوست می‌دارم به بانگ بلند
(ب) ما را زهم جدا کرد ایام ورنه ما را
(پ) آتش سردی که بگدازد درون سنگ را
(ت) ما و دشمن‌دوستی، این رسم، رسم تازه‌ای است

(ریاضی، ۸۷)

- تا کی آهسته و نهان گـفـتـن
با دولت وصال خوش بود روزگاری
هر که را بودست آه سرد می‌داند که چیست
ورنه هر مو بر تن ایام دشمن، دشمن است



تلمیح (اشاره)

هر گاه با شنیدن بیت و عبارتی به یاد داستان، افسانه، رویدادی تاریخی- مذهبی یا آیه و حدیثی بیفتیم، بی آنکه آن موضوع مستقیماً بازگو شده باشد، آن بیت یا عبارت دارای آرایه تلمیح است.

✍ پدرو روضه رضوان به دو گندم بفروخت / ناخلف باشم اگر من به جوی نفروشم

☀ اشاره دارد به داستان حضرت آدم و رانده شدنش از بهشت.

✍ جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او / آن نور روی موسی عمرانم آرزوست.

☀ اشاره دارد به داستان حضرت موسی و ستمگری فرعون.

تلمیح‌های پرکاربرد

داستان بار امانت - داستان شیرین و فرهاد - داستان حضرت ابراهیم - داستان حضرت موسی و آتش طور - داستان یوسف و زلیخا - داستان بیژن و منیژه - داستان داریوش و اسکندر - داستان حلاج و بر دار کشیدن او - داستان قارون - داستان لیلی و مجنون - داستان سیاوش - داستان رستم و شغاد - داستان نماز حضرت علی و یاری گدا - داستان روز «الست» - داستان معراج پیامبر - داستان سلیمان و انگشتری - شکافتن ماه به دست پیامبر - داستان امام حسین

خودآزمایی

۸۸- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه « تلمیح » به کار رفته است.

الف) گاه سفر شد باره بر دامن برانیم
ب) این مه که چون منیژه سر چاه می‌نشست
پ) ختم پایانیم مهر آغاز کن
ت) مرا شکر منه و گل مریز در مجلس

تا بوسه گاه وادی ایمن برانیم
گریان به تازیانه افراسیاب رفت
ای که در آغاز پایانی هنوز
میان خسرو و شیرین شکر کجا گنجد

۸۹- در کدام گزینه « تلمیح » دیده می‌شود؟

الف) از قضا آینه چینی شکست
ب) گفت آن یار کزو گشت سر دار بلند
پ) دلم امروز چو کاه از نفسی می‌لرزد
ت) من عهد تو سخت سست می‌دانستم

خوب شد اسباب خود بینی شکست
عیش آن بود که اسرار هویدا می‌کرد
یاد آن روز که چون کوه، جگر بود مرا
بشکستن آن درست می‌دانستم

۹۰- در کدام گزینه « تلمیح » دیده نمی‌شود؟

الف) برو ای گدای مسکین درخانه علی زن
ب) فلک به مردم نادان دهد زمام مراد
پ) نه خدا توانمش گفت نه بشر توانمش خواند
ت) بجز از علی که آرد پسری ابوالعجایب

که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس
متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را
که علم کند به عالم شهدای کربلا را



تضمین

هر گاه سراینده یا نویسنده‌ای، بخشی از نوشته فردی دیگر را در میان اثر خود بگنجاند، به آن تضمین گفته می‌شود؛ مانند:

چه خوش گفت فردوسی پاک زاد / که رحمت برآن تربت پاک باد

«میازار موری که دانه گش است / که جان دارد و جان شیرین خوش است»

در این دو بیت، سعدی بیتی پرآوازه از فردوسی را در میان شعر خود گنجانده است.

هر جا جمله عربی بیاید، تضمین نیز وجود دارد.

خودآزمایی

۹۱- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه «تضمین» به کار رفته است.

وَقِنَّا رَبَّنَا عَذَابَ النَّارِ
كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنِ أَيْ پسر
فرمان برمت جانا، بنشینم و برخیزم
کز نسیمش بوی جوی مولیان آیدهمی

الف) زینهار از قـرین بد زنهار
ب) بهر این فرمود رحمان ای پسر
پ) گفنی به غم بنشین یا از سرجان برخیز
ت) خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم

۹۲- در کدام گزینه «تضمین» دیده می‌شود؟

گر چه بیمارپرستی بتر از بیماری است
شیوه جنات تجری تحتها الانهار داشت
که خار دشت محبت گل است و ریحان است
گلی که نیست در او نکهتی گلاب مکن

الف) من پرستار دو چشم خوش بیمار توام
ب) چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت
پ) سفر دراز نباشد به پای طالب دوست
ت) بدار دست ز اصلاح دل چو شد بی درد

یادداشت

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



اغراق (بزرگ نمایی)

همه هنگامی که شاعر یا نویسنده، صفتی را در فرد یا پدیده‌ای آنچنان برجسته نشان دهد و بزرگ نماید که دستیابی به آن صفت در آن حد و اندازه ناشدنی یا بیش از حد معمول باشد، آرایه اغراق آفریده می‌شود.

شود کوه آهن چو دریای آب / اگر بشنود نام افراسیاب

خودآزمایی

۹۳- در کدام بیت آرایه « اغراق » به کار رفته است؟

- الف) صائب! مدد خلق نمودیم به همت
ب) گر برگ گل سرخ کنی پیرهنش را
پ) فلک به مردم نادان دهد زمام مراد
ت) دل و کشورت جمع و معمور باد
- در ظاهر اگر مالک دینار نبودیم
از نازکی آزار رساند بدنش را
تو اهل فضلی و دانش همین گناهت بس
ز ملکوت پراکندگی دور باد

۹۴- در کدام بیت آرایه « اغراق » به کار رفته است؟

- الف) ابر است بر جای قمر زهره است بر جای شکر
ب) کمان بر گرفتند و تییر خدنگ
پ) ای ساریان منزل مکن جز در دیار یار من
ت) آنجا که بود آن دلستان با دوستان در بوستان
- سنگ است بر جای گهر خار است بر جای سمن
ببهرند از روی خورشید رنگ
تا یک زمان زاری کنم بر ربع و اطلال و دمن
شد گرگ و روبهرا مکان، شد گور و کرکس را وطن

۹۵- در کدام بیت آرایه « اغراق » هست؟

- الف) بیامد که جوید ز ایران نبرد
پ) همی برخروشید برسان کوس
- ب) همی گرد رزم اندر آمد به ابر
ت) برآمد زهر دو سپه بوق و کوس

۹۶- در کدام بیت آرایه « اغراق » به کار رفته است؟

- الف) دل شاه ایران بدان تنگ شد
ب) بیابانی آمدش ناگاه پیش
پ) تو دانی که بیداد کوشد همی
ت) چو مانده شد از کار رخس و سوار
- بروهای چهرش پر آژنگ شد
ز تابیدن مهر پهنش بیش
همی جنگ و مردی فروشد همی
یکی چاره سازید بیچاره وار



حسن تعلیل

هر گاه شاعر و نویسنده برای موضوعی، دلیل غیر واقعی و ادبی، اما دلپذیر و هنری بیاورد، به حسن تعلیل دست می‌یابد. به این آرایه بهانگی نیک نیز گفته می‌شود. همیشه در این آرایه «چرایی» نهفته است.

تا چشم بشر نبیندت روی بنهفته به ابر چهر دلیند

سراینده علت ابرپوش بودن قله دماوند را این می‌داند که بشر چهره دماوند را نتواند ببیند.

خودآزمایی

۹۷- برای شعر زیر آرایه حسن تعلیل بیابید و آن را گزارش کنید:

(الف) باران همه برجای عرق می‌چکد از ابر / پیداست که از روی لطیف تو حیا کرد.

(ب) دلم خانه مهر یار است و بس / از آن می‌نگجد در آن کین کس.

(سراسری ریاضی، ۸۳)

۹۸- در کدام گزینه «حسن تعلیل» دیده می‌شود؟

(الف) همیشه تا بر آید ماه و خورشید

(ب) اگر چه تلخ باشد فرقت یار

(پ) کسی که سبزتر است از هزار بار بهار

(ت) بشکن دل بی نوای ما را ای عشق

مرا باشد به وصل یار امید

در او شیرین بود امید دیدار

کسی شگفت کسی آن چنان که می‌دانی

این ساز شکسته اش خوش آهنگ تر است

۹۹- در کدام گزینه «حسن تعلیل» دیده می‌شود؟

(الف) بنالد جامه چون از هم بدری

(ب) خرد را تو روشن بصر کرده‌ای

(پ) مهندس بسی جوید از رازشان

(ت) همه آفریدست بالا و پست

بگرید رز چو شاخ او ببری

چراغ هدایت تو بر کرده‌ای

ندانند که چون کردی آغازشان

توئی آفریننده هر چه هست

(سراسری قارج کشور، ۸۵)

۱۰۰- در کدام گزینه «حسن تعلیل» دیده می‌شود؟

(الف) پسته، دهن بسته زان بود که ندارد

(ب) در نظرم آفتاب سایه نشین است

(پ) هرگز نبود سرو به بالا که تو داری

(ت) بسیار بود سرو روان و گل خندان

چربی و شیرینی زبان که تو داری

زیر کله روی دل ستان که تو داری

یا مه به صفای رخ زیبا که تو داری

لیکن نه بدین صورت و بالا که تو داری



۱۰۱- در کدام گزینه «حسن تعلیل» به کار رفته است؟

(الف) دل به امید روی او همدم جان نمی‌شود

(ب) به صدق کوش که خورشید زاید از نفست

(پ) شب‌است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی

(ت) در خزان از عندلیبان بانگ افسوسی نخاست

۱۰۲- در کدام گزینه «حسن تعلیل» به کار رفته است؟

(الف) آمد بهار عاشقان، معشوق گل رخسار کو

(ب) نیایش در دل خسرو اثر کرد

(پ) در این چمن که ز پیری خمیده شد کمرم

(ت) خمیده پشت از آن گشتند پیران جهان دیده

۱۰۳- در کدام گزینه «حسن تعلیل» به کار نرفته است؟

(الف) تا چشم بشر نبیندت روی / بنهفته به ابر چهر دل بند

(ب) ای روشن خدا / چاه از آن زمان که تو در آن گریستی جوشان است

(پ) از آن مرد دانا دهان دوخته است / که ببند که شمع از زبان سوخت ست

(ت) کدام وام دار ترید / دین به تو یا تو بدان/هیچ دینی نیست که وام دار تو نیست

۱۰۴- در کدام گزینه «حسن تعلیل» دیده نمی‌شود؟

(الف) عجب نیست از خاک اگر گل شکفت

(ب) خورشید فروزنده شبی پرده نشین شد

(پ) اشک غماز من ار سرخ برآمد چه عجب

(ت) هرگه به صد کرشمه پری‌وار بگذری

۱۰۵- در کدام گزینه «حسن تعلیل» به کار رفته است؟

(الف) تویی بهانه آن ابرها که می‌گیرند

(ب) در کارگاه عشق است تدبیر عقل بی کار

(پ) در سیاهی می‌توان گل چید از آب حیات

(ت) بدار دست ز اصلاح دل چو شد بی درد

جان به هوای کوی او خدمت تن نمی‌کند

که از دروغ سیه روی شد صبح نخست

غنیمت است چنین شب که دوستان بینی

چون ورق برگشت چشم یاری از یاران مدار

(سراسری تهری، ۸۱)

بر بیدلان شد باغ‌ها، آخر بگو دلدار کو

دلش را چون فلک زیر و زبر کرد

ز شاخ‌های بقا بعد از این چه بهره برم

که اندر خاک می‌جویند ایام جوانی را

(سنهش، ۸۹)

که چندین گل اندام در خاک خفت

کامد به در از پرده مه چارده تو

خجل از کرده خود پرده‌ری نیست که نیست

بر چشم خود فرشته کشد خاک راه تو

(سراسری زبان، ۸۴)

بیا که صاف شود این هوای بارانی

طوفان نمی‌کند گوش تعلیم ناخدا را

گریه را باشد اثر دامن شب‌ها بیشتر

گلی که نیست در او نکه‌تی گلاب مکن



اسلوب معادله

هرگاه شاعر بیتی بسراید که با جابجا کردن مصراع نخست و مصراع دوم آسیبی به بیت نرسد و یک مصراع مصداقی برای مصراع دیگر باشد، به آن آرایه اسلوب معادله یا دستان زنی هنری گفته می‌شود. این آرایه بیشتر در سبک هندی دیده می‌شود. در این آرایه معمولاً در مصراع دوم «که» نمی‌آید.

دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست / جای چشم، ابرو نگیرد، گرچه او بالاتر است

خودآزمایی

۱۰۶- در کدام گزینه «اسلوب معادله» دیده می‌شود؟

- (الف) بخواد هم از تو پدر کین من
(ب) شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی
(پ) خورشید فروزنده شبی پرده نشین شد
(ت) اقبال خصم هرچه فزون تر شود نکوست

- چو ببند که خشت است بالین من
غنیمت است چنین شب که دوستان بینی
کامد به در از پرده، مه چارده تو
فواره چون بلند شود سر نگون شود

۱۰۷- در کدام گزینه «اسلوب معادله» نیست؟

- (الف) نگر تا چه گوید سخن گوی بلخ
(ب) پای خوابیده به فریاد نگردد بیدار
(پ) گر عاشقی از گنه چه باک است
(ت) تنها نه آن غزالش جمعی سگان گرفتند

- که باشد سخن گفتنش راست تلخ
بند با عاشق بیدل چه تواند کردن
خورشید به هر چه تافت پاک است
هرجا که یوسفی هست صد گرگ در کمین است

(سراسری هنر، ۸۸)

۱۰۸- در کدام گزینه «اسلوب معادله» وجود دارد؟

- (الف) گفتا برو چو خاک تحمّل کن ای فقیه
(ب) روز چو شمعی به شب نور ده و سر فراز
(پ) دیده بستن ز جهان فیض و گشایش دارد
(ت) برق با شوقم شراری بیش نیست

- یا هر چه خوانده ای همه در زیر خاک کن
شب چو چراغی به روز کاسته و نیم تاب
چون گدا کور شود برگ و نوایی ببند
شعله طفل نی‌سواری بیش نیست

۱۰۹- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه «اسلوب معادله» به کار رفته است.

- (الف) زسخت گیری دوران چه باک عارف را
(ب) دلی که نیست خراشی در او زمین گیر است
(پ) من از خار سر دیوار دانستم
(ت) حد ما نیست که پیش تو بگویم سخن

- ز قحط سال، هما بینوا نخواهد شد
زری که سکه ندارد روان نمی‌باشد
که ناکس کس نمی‌گردد ازین بالانشینی‌ها
هم تو با ما سخنی گوی که ما گوش کنیم

(سراسری زبان، ۸۸)

۱۱۰- در کدام گزینه «اسلوب معادله» دیده نمی‌شود؟

- (الف) فکر شنبه تلخ دارد جمعه اطفال را

- عشرت امروز بی اندیشه فردا خوش است



(ب) انتقام هرزه گویان را به خاموشی گذار
(پ) فزود آتش من آب را خبر ببری
(ت) چون غوره رست ز خامی خویش شد شیرین

۱۱۱- در کدام گزینه «اسلوب معادله» دیده نمی‌شود؟

(الف) هر که دل پیش دلبری دارد
(ب) حریص را نکند نعمت دو عالم سیر
(پ) نخواهد آتش از همسایه هر کس جوهری دارد
(ت) اقبال خصم هرچه فزون تر شود نکوست

۱۱۲- در کدام گزینه «اسلوب معادله» دیده می‌شود؟

(الف) کرده ام خاک در می‌کده را بستر خویش
(ب) برو طواف دلی کن که کعبه مخفی است
(پ) دود اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست
(ت) زهره سازی خوش نمی‌سازد مگر عودش بسوخت

۱۱۳- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه «اسلوب معادله» به کار رفته است.

(الف) شراب گرد کدورت نبرد از دل ما
(ب) دو منزل اند دل و دیده هر دو خانه تو
(پ) در خزان از عندلیبان بانگ افسوسی نخاست
(ت) دیده بستن ز جهان فیض و گشایش دارد

۱۱۴- در کدام بیت اسلوب معادله وجود ندارد؟

(الف) هر که دل پیش دلبری دارد
(ب) حریص را نکند نعمت دو عالم سیر
(پ) نخواهد آتش از همسایه هر کس جوهری دارد
(ت) اقبال خصم هر چه فزون تر شود نکوست

تیغ می‌گوید جواب مرغ ناهنگام را
اسیر می‌بردم غم ز کافرم بخیرید
چون ماه روزه به پایان رسید عید شود

(سراسری تهرپی، ۸۷)

ریش در دست دیگری دارد
همیشه آتش سوزنده اشتها دارد
چنار از سینه خود می‌کند ایجاد آتش را
فواره چون بلند شود سر نگون شود

می‌گذارم چو سبو دست به زیر سر خویش
که آن خلیل بنا کرد و این خدا خود ساخت
جای چشم، ابرو نگیرد، گرچه او بالاتر است
کس ندارد ذوق مستی می‌گساران را چه شد

(سراسری زبان، ۸۹)

چو دانه سوخته باشد چه از سحاب آید
چه حاجت است که من گویمت کجا بنشین
چون ورق برگشت چشم یاری از یاران مدار
چون گدا کور شود برگ و نوایی بیند

(سراسری تهرپی، ۸۷)

ریش در دست دیگری دارد
همیشه آتش سوزنده اشتها دارد
چنار از سینه خود می‌کند ایجاد آتش را
فواره چون بلند شود سر نگون شود

یادداشت



ایهام

هیچ هر گاه واژه یا ترکیبی که دارای دو معنای نزدیک و دور است به گونه‌ای در سخن به کار رود که هر دو معنا از آن برداشت شود، آرایه ایهام شکل می‌گیرد. گاهی منظور اصلی تنها معنای دور است و گاهی هیچ یک بر دیگری برتری ندارد.

✍ غرق خون بود و نمی‌مرد ز حسرت فرهاد / گفتم افسانه شیرین و به خوابش کردم

☀ شیرین: زیبا و دلنشین / دلبر فرهاد

✍ ای دمت عیسی، دم از دوری مزن / من غلام آن که دوراندیش نیست

☀ دوراندیش: عاقبت نگر / آنکه به دوری وجدایی می‌اندیشد.

واژگان چندمعنایی

بازی: ۱- بازی کردن ۲- نام پرنده باز	برآمدن: ۱- بالا آمدن ۲- طلوع کردن
بوی: ۱- رایحه ۲- آرزو	چپ: ۱- سوی چپ ۲- کژرو
درگرفتن: ۱- اثر کردن ۲- آتش گرفتن	دل‌سیه: ۱- سنگ‌دل ۲- دارنده دل سیاه
راست: سوی راست ۲- راستی	رود: ۱- رودخانه ۲- گونه‌ای ساز
رخ: ۱- روی و چهره ۲- نام مهره شطرنج	زال: ۱- پیرفروتوت ۲- باب رستم
سرگرم: ۱- مشغول ۲- سرمست	شکر: ۱- نام دلشده شیرین ۲- پانیز
شیرین: ۱- نام دلبر فرهاد ۲- در برابر تلخ	عهد: ۱- روزگار ۲- پیمان
گلستان: ۱- بوستان ۲- نام کتاب سعدی	مهر: ۱- خورشید ۲- مهربانی
مالک دینار: ۱- توانگر ۲- نام مردی	مردم‌دار: ۱- بساز و سازشکار ۲- مردم‌کدار
مخفی: ۱- نام سراینده ۲- پنهان	مدام: ۱- همیشه و پیوسته ۲- باده
ماه: ۱- ماه آسمان ۲- ماه سال	نگران: ۱- بیننده ۲- آشفته
دور از تو: ۱- هجران ۲- از تو دور باشد	شور: ۱- نمکین ۲- انگیزه و هوس، آشفتگی
نابراذر: ۱- ناتنی ۲- نامرد	چنگ: ۱- دست ۲- نوعی ساز
روی: ۱- چهره ۲- نوعی فلز	صبر: ۱- شکیبایی ۲- گیاه تلخ دارویی
لاله: ۱- گل ۲- چراغدان	آهو: ۱- غزال ۲- ایراد
پرده: ۱- حجاب ۲- اصطلاح موسیقی	عشاق: ۱- عشاق ۲- اصطلاح موسیقی
حجاز و عراق: ۱- اسم مکان ۲- اصطلاح موسیقی	کنار: ۱- آغوش ۲- ساحل دریا
عود: ۱- چوبی که بوی خوش دارد ۲- نوعی ساز	کام: ۱- آرزو ۲- دهان
آیت: ۱- نشانه ۲- آیه قرآن	شام: ۱- شب ۲- کشور شام



دور: ۱- گردش ۲- زمانه	روان ۱- جان ۲- جاری
قلب: ۱- دل ۲- تقلبی ۳- میان	بهار: ۱- فصل بهار ۲- بتخانه
دستان: ۱- دستها ۲- زال	چین: ۱- کشور چین ۲- شکن
لب: ۱- لب و دهان ۲- کناره	روزی: ۱- یک روز ۲- رزق
ضرب: ۱- زدن ۲- ساز تنبک	دیده: ۱- چشم ۲- آنچه دیده شده
رهی: ۱- بنده ۲- نام سخن پردازی	قربان: ۱- قربانی ۲- تیردان

خودآزمایی

(سراسری قارچ کشور، ۸۸)

۱۱۵- در کدام بیت آرایه « ایهام » به کار رفته است؟

صبح یاقوت روان از جام جم دادی مرا
عطار به یک جو نخرد نافه چین را
دست همه بربستی فریاد ز دستانت
انگشت کسی کارگشای دگری نیست

الف) شام اگر قوت روانم دادی از خون جگر
ب) گر چین سر زلف تو مشاطه گشاید
پ) تا طره‌ی طرّارت زد دست به طرّاری
ت) تا خود نشوی شانه به زلفش نزنای چنگ

(سراسری زبان، ۸۵)

۱۱۶- در کدام بیت آرایه « ایهام » به کار نرفته است؟

تو شوخ دیده مگس (=مگس بی شرم) بین که می‌کند بازی
می‌گذارم چو سبب دست به زیر سر خویش
که آن خلیل بنا کرد و این خدا خود ساخت
چون نامه چرا یک دمش از لطف نخوانی

الف) به راستی که نه همبازی تو بودم من
ب) کرده ام خاک در میکده را بستر خویش
پ) برو طواف دلی کن که کعبه مخفی است
ت) در راه تو حافظ چو قلم کرد ز سر پای

۱۱۷- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه « ایهام » به کار رفته است.

ز تاب جعد مشکینش چه خون افتاد در دلها
کاین دل غمزده سرگشته گرفتار کجاست
گفتا غلطی خواجه درین عهد وفا نیست
شربت بیماری فرهاد را شیرین کنید

الف) به بوی نافه‌ای کاخر صبا زان طره بگشاید
ب) باز پرسید ز گیسوی شکن در شکنش
پ) دی می‌شد و گفتم صنما عهد به جای آر
ت) درد عاشق را دوايي بهتر از معشوق نیست

یادداشت

.....

.....

.....

.....



ایهام تناسب

ایهام آوردن واژه‌ای است با دست کم دو معنا که یک معنا پذیرفتنی است و دیگری ناپذیرفتنی. معنای ناپذیرفتنی با برخی از اجزای سخن تناسب می‌سازد. در بنیاد، این آرایه جمع دو آرایه ایهام و تناسب است. تفاوت ایهام با ایهام تناسب آن است که در ایهام هر دو معنا پذیرفتنی است؛ اما در ایهام تناسب تنها یک معنا به کار می‌آید و معنای دوم با واژه یا واژه‌های دیگر آرایه مراعات نظیر می‌سازد.

✍ چنان سایه گسترده بر عالمی / که زالی نیندیشد از رستمی (سعدی)

☀ در نمونه بالا زال به معنای پیرزن سفید موی به کار رفته است؛ اما زال در معنای پدر رستم، با رستم مراعات النظیر می‌سازد.

✍ ماهم این هفته برون رفت و به چشم سالی است / حال هجران تو چه دانی که چه مشکل حالی است (حافظ)

✍ ز زهد خشک ملولم کجاست باده ناب / که بوی باده مدامم دماغ تر دارد (حافظ)

✍ همچو چنگم سر تسلیم و ارادت در پیش / تو به هر ضرب که خواهی بزن و بنوازم (سعدی)

☀ کلمه ضرب در این بیت به معنای ضربه زدن است و در معنای ساز، با واژه‌های چنگ و نواختن مراعات النظیر می‌سازد.

✍ هنر بیار و زبان آوری مکن سعدی / چه حاجت است که گوید شکر که شیرینم (سعدی)

☀ کلمه شکر که هم به معنای طعم شیرین است و هم به معنای معشوقه خسرو، با شیرین مراعات النظیر دارد.

✍ در کنج دماغم مطلب جای نصیحت / کاین گوشه پر از زمزمه چنگ و رباب است (حافظ)

☀ در این بیت کلمه گوشه، دارای دو معنی است: یکی در معنای کنج و زاویه و دیگری اصطلاح نوازندگی. چنگ و رباب با معنای دور تناسب دارند.

✍ دل چه خورده است عجب دوش که من مخمورم / یا نمکدان که دیده ست که من در شورم (مولانا)

☀ کلمه شور در شعر، یکی در معنای شور و حال (معنای نزدیک) و دیگر در معنای نوعی مزه (معنای دور). این واژه در معنای دورش با نمکدان تناسب دارد.

خودآزمایی

۱۱۸- در کدام بیت آرایه « ایهام تناسب » به کار رفته است؟

این چشمه که از چشم دماوند گشوده است
چون که زدی بر سر من پست و گدازنده شدم
خوشا دمی که از آن چهره پرده برفکنم
من نقد روان در دمش از دیده شمارم

الف) تفسیر لطیفی است ز پاکی دل کوه
ب) چشمه خورشید تویی سایه گه بید منم
پ) حجاب چهره جان می‌شود غبار تنم
ت) گر قلب دلم را ننهد دوست عیاری

(سراسری انسانی، ۸۹)

۱۱۹- در کدام بیت آرایه « ایهام تناسب » به کار رفته است؟

چه حاجت است که گوید شکر که شیرینم
خرابم می‌کند هر دم فریب چشم جادویت
کس ندارد ذوق مستی می‌گساران را چه شد
تا روی نبیندت به جز راست

الف) هنر بیار و زبان آوری مکن سعدی
ب) مدامم مست می‌دارد نسیم جعد گیسویت
پ) زهره سازی خوش نمی‌سازد مگر عودش بسوخت
ت) چشم چپ خویشتن برآرم

(سراسری انسانی، ۸۶)



(سپش، ۸۷)

۱۲۰- در همه بیتها به جز بیت ... آرایه « ایهام تناسب » به کار رفته است.

(الف) یار بیگانه نگیرد هرکه دارد یار خویش
 (ب) توبه را تلخ می‌کند در حلق
 (پ) سرو قدش از دیده من دور چرا شد
 (ت) ای که از کلک هنر نقش دل‌انگیز خدایی
 ای که دستی چرب داری پیشتر دیوار خویش
 یار شیرین زبان شورانگیز
 چون جای سهی سرو روان آب روان است
 حیف باشد مه من کاین همه از مهر جدایی

(گزینه ۲، ۸۶)

۱۲۱- در کدام بیت آرایه « ایهام تناسب » به کار رفته است؟

(الف) روی و چشمی دارم اندر مهر او
 (ب) بیابانی آمدش ناگاه پیش
 (پ) چون شبنم افتاده بدم پیش آفتاب
 (ت) بی مهر رخت روز مرا نور نمانده است
 کاین گهر می‌ریزد آن زر می‌زند
 ز تابیدن مهر پهناش پیش
 مهرم به جان رسید و به عیوق برشدم
 وز عمر مرا جز شب دیجور نمانده است

۱۲۲- در بیت « لب و دندان سنایی همه توحید تو گوید / مگر از آتش دوزخ بودش روی رهایی » کدام واژه « ایهام تناسب » دارد؟

(الف) توحید (ب) آتش (پ) دوزخ (ت) روی

۱۲۳- در کدام بیت آرایه « ایهام تناسب » به کار رفته است؟

(الف) یا برو همچون زنان رنگی و بویی پیش گیر
 (ب) هر خسی از رنگ گفتاری بدین ره کی رسد
 (پ) هنر بیار و زبان آوری مکن سعدی
 (ت) چرخ گردون این رسن را می‌رساند تا به چاه
 یا چو مردان اندر آی و گوی در میدان فکن
 درد باید پرده سوز و مرد باید گام زن
 چه حاجت است که گوید شکر که شیرینم
 گر همی صحرات باید چنگ درزن در رسن

۱۲۴- در بیت « گویند روی تو سعدی که زرد کرد / اکسیر عشق بر مسم افتاد و زر شدم » کدام واژه « ایهام تناسب » دارد؟

(الف) روی (ب) سرخ (پ) زرد (ت) زر

(تزار انسانی، ۸۴)

۱۲۵- در کدام بیت آرایه « ایهام تناسب » زیبا و دقیق به کار رفته است؟

(الف) روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد
 (ب) میان گریه می‌خندم که چون شمع اندرین مجلس
 (پ) چشمه ی خورشید تویی سایه گه بید منم
 (ت) کیست حافظ تا ننوشد باده بی آواز رود
 زان زمان جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما
 زبان آتشینم هست لیکن در نمی‌گیرد
 چون که زدی بر سر من پست و گدازنده شدم
 عاشق مسکین چرا چندین تحمل بایدش

(گزینه ۲، ۸۶)

۱۲۶- کدام گزینه دارای « ایهام تناسب » است؟

(الف) تا رفتنش ببینم و گفتنش بشنوم
 (ب) بیزارم از وفای تو یک روز و یک زمان
 (ب) او را خود التفات نبودی به صید من
 (ت) من چشم ازو چگونه توانم نگاه داشت

۱۲۷- در کدام بیت آرایه « ایهام تناسب » به کار رفته است؟

(الف) برو ای گدای مسکین در خانه علی زن
 (ب) ز زهد خشک ملولم کجاست باده ناب
 (پ) نه خدا توانمش گفت نه بشر توانمش خواند
 (ت) بجز از علی که آرد پسری ابوالعجایب
 که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را
 که بوی باده مدامم دماغ تر دارد
 متحیرم چه نامم شه ملک لافتی را
 که علم کند به عالم شهدای کربلا را



لف و نشر

هر گاه دو یا چند جزء از سخن بی هیچگونه گزارشی در پی هم بیایند (لف)؛ سپس گزارش آنها (نشر) در بخش دیگر بیاید، آرایه لفت و نشر پیکر می‌گیرد.

پروانه ز من، شمع ز من، گل ز من آموخت افروختن و سوختن و جامه دریدن
 پروانه از من افروختن را، شمع از من سوختن را و گل از من جامه دریدن را آموخت.

خودآزمایی

۱۲۸- در عبارت زیر چه نوع لف و نشری به کار رفته است؟ نشرها را شناسایی کنید.

(الف) دو کس دشمن ملک و دین‌اند: پادشاه بی‌حلم و زاهد بی‌علم.

(ب) فرورفت و بر رفت روز نبرد / به ماهی نم خون و بر ماه گرد

۱۲۹- در کدام بیت آرایه « لف و نشر » به کار رفته است؟

(الف) برو ای گدای مسکین در خانه علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

(ب) قربان آن بناگوش، وان برق گوشواره با هم چه خوش نمایند، آن صبح و این ستاره

(پ) جهان چو حادثه‌ای پای در رکاب آرد عنان فتنه بدان چشم نیم خواب دهد

(ت) بر درگه عشق گر مرا بار افتد کاری بکنم که پرده از کار افتد

۱۳۰- در کدام بیت آرایه « لف و نشر » به کار رفته است؟

(الف) برگ بی برگی نداری لاف درویشی نزن رخ چو عیاران نداری جان چو نامردان مکن

(ب) یا برو همچون زنان رنگی و بویی پیش گیر یا چو مردان اندر آی و گوی در میدان فکن

(پ) برید و درید و شکست و بـبست یلان را سر و سینه و پا و دست

(ت) همه دشمنی از تو دیدم ولیکن نگویم که تو دوستی را نشایی



مثل

هر گاه شاعر یا نویسنده در سخن خود از «ضرب المثلی» استفاده کند و یا بخشی از سخن او آنقدر معروف باشد که به عنوان ضرب المثلی به کار رود، آن بخش از کلام دارای آرایه مثل است.

بی گمان دیوار طبع پست خاک‌آلود ماست ✍
 آنکس که بدم گفت بدی سیرت اوست ✍
 حال متکلم از زبانش پیداست ✍
 گر بود کوتاهتر دیواری از دیوار ما
 وانکس که مرا گفت نکو خود نیکوست
 از کوزه همان برون تراود که در اوست

تمثیل

هر گاه برای تأیید یا روشن شدن مطلبی (معمولاً پیچیده) آن را به موضوعی ساده تر تشبیه کنیم یا برای اثبات موضوعی نمونه‌ای بیاوریم آرایه تمثیل را به کار گرفته ایم

من اگر نیکم اگر بد تو برو خود را باش ✍
 هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت
 حافظ خطاب به زاهدان و واعظان می‌گوید که من اگر خوب یا بد هستم ربطی به شما ندارد و شما همان بهتر که مراقب اعمال خود باشید، همچنان که هر کسی هنگام درو آنچه را که خود کاشته‌است برداشت می‌کند. شاعر برای درستی گفته خود در مصراع نخست، در مصراع دوم موضوعی ساده را که درستی آن بر همه آشکار است به عنوان نمونه‌ای برای آن ذکر می‌کند.

خودآزمایی

۱۳۱- در مصراع اول بیتی که تلمیح یا تمثیل ندارد، چند استعاره به کار رفته است؟

(سراسری ریاضی، ۹۲)

- | | |
|---------------------------------|--|
| ۱) چنین گفت پیغمبر راست‌گوی | ز گهواره تا گور دانش بجوی (یکی) |
| ۲) چه گفت آن سخن گوی پاسخ نیوش | که دیوار دارد به گفتار گوش (یکی) |
| ۳) بگسترد کافور بر جای مشک | گل و ارغوان شد به پالیز خشک (دو تا) |
| ۴) آسمان بار امانت نتوانست کشید | قرعه کار به نام من دیوانه زدند (دو تا) |



سوالات ترکیبی آرایه‌های ادبی

- ۱۳۲- در کدام بیت هر سه آرایه: «جناس، تشبیه و پارادوکس» موجود است؟
 (الف) الف قسَد تو پیش همه مقبول افتاد
 (ب) شکسته رنگی من، عاشق را به رحم آورد
 (پ) هر چند زینک و بد است چون همه در دست اوست
 (ت) برگ من بی برگی است و بار، بار خاطر است
 (سراسری انسانی، ۸۷)
- ۱۳۳- در کدام بیت همه آرایه‌های «استعاره، کنایه، مراعات نظیر» وجود دارد؟
 (الف) این همه بیننده ز نزدیک و دور
 (ب) نرگس من چشم و چراغ چمن
 (پ) از صفت قامت من کوتاهی
 (ت) طلعت من خواسته از مه خراج
 کس نهد آینه در پیش کور
 لاله من داغ نه یاسمن
 یافته آوازه سرو سهی
 حرف خجالت زده بر لوح عاج
 (سراسری انسانی، ۸۷)
- ۱۳۴- آرایه‌های بیت: «مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو / یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو» کدام است؟
 (الف) استعاره- مجاز- کنایه- ایهام
 (ب) تشبیه- کنایه- ایهام- تضمین
 (پ) تشبیه- کنایه- ایهام- تضمین
 (ت) تشبیه- استعاره- مجاز- جناس
 (سراسری تهرانی، ۸۷)
- ۱۳۵- آرایه‌های بیت زیر کدام است؟
 «در عرضگه عشقش فتنه سپه انگیزد / در رزمگه زلفش گردون سپر اندازد»
 (الف) ایهام- مجاز- استعاره- جناس
 (ب) تشخیص- تشبیه- مراعات نظیر- ایهام
 (پ) تشخیص- تشبیه- مراعات نظیر- ایهام
 (ت) تشبیه- استعاره- کنایه- تشبیه- مراعات نظیر
 (سراسری تهرانی، ۸۷)
- ۱۳۶- در کدام بیت همه آرایه‌های: «تشخیص- ایهام- استعاره- کنایه» وجود دارد؟
 (الف) زنده کنند و باز پر و بال نو دهند
 (ب) گل را مدد رسید ز گلزار روی دوست
 (پ) امروز روز شادی و امسال سال گل
 (ت) جامه‌دران رسید گل از بهر داد ما
 هر چند بر کنید شما پَر و بال گل
 تا چشم ما نبیند دیگر زوال گل
 نیکوست حال ما که نکو باد حال گل
 زان می‌دریم جامه به بوی وصال گل
 (سراسری- ریاضی، ۸۷)
- ۱۳۷- در بیت «ببستون کندن فرهاد نه کاری است شگفت / شور شیرین به سر هر که فند کوه کن است» کدام آرایه‌های ادبی یافت می‌شود؟
 (الف) تلمیح- کنایه- اسلوب معامله
 (ب) ایهام تناسب- تلمیح- تضاد
 (پ) تضاد- کنایه- حسن تعلیل
 (ت) پارادوکس- کنایه- ایهام تناسب
 در این تست به نادرست، «شور شیرین» متناقص نما در نظر گرفته شده است.
 (سراسری ریاضی، ۸۷)
- ۱۳۸- آرایه‌های مقابل کدام بیت نادرست است؟
 (۱) نلی سربلند و سری سر به زیر
 (۲) روزگاری شد و کس مرد ره عشق ندید
 (۳) عیش دل شکسته، عزا می‌گی چرا
 (۴) این جزر و مد چیست که تمامه می‌رود؟
 از این دست عمری به سر برده‌ایم (جناس - حس آمیزی)
 حالیا چشم جهانی نگران من و توست (مجاز - ایهام)
 عیدم تویی که من به تو قربان نیامدی (ایهام تناسب - تضاد)
 دریای درد کیست که تا چاه می‌رود؟ (تلمیح - تشبیه)
 (سراسری انسانی اقتصادی، ۹۱)
- ۱۳۹- اگر ابیات زیر را به ترتیب داشتن آرایه‌های: اغراق، ایهام تناسب، متناقض‌نما، اسلوب معادله و تشبیه مرتب کنیم کدام گزینه درست است؟
 (الف) چه نشاطی است ندانم سرسودی تو را
 (ب) مست هشیار ندیده است کسی جز چشمت
 (ج) در سرو رسیده است ولیکن به حقیقت
 (د) نصیحت گوی را از من بگو ای خواجه دم درکش
 (ه) شب فراق تو در خون خویش می‌خفتم
 (۱) الف - ج - ب - د - ه
 (۲) الف - د - ج - ب - ه
 (۳) الف - ج - ب - د - ه
 (۴) ه - ب - ج - الف - د
 (سراسری انسانی اقتصادی، ۹۱)



(سراسری انسانی، ۹۱)

۱۴۰- آرایه‌های (اسلوب معادله - استعاره - پارادوکس - تشبیه - جناس تام) به ترتیب در کدام گزینه یافت می‌شود؟

- الف) تنها نه من به دانه خالت مقیدم
ب) دیوان حافظی تو و دیوانه تو من
ج) حرف صدق از لب دیوانه برون می‌آید
د) هر چند بی صداست چو آینه آب عمر
ه) دل چو شد غافل ز حق فرمان‌پذیر تن بود
- ۱) ه - ج - د - ب - الف
۲) الف - د - ج - ب - ه
۳) ه - ج - د - الف - ب
۴) الف - ب - ه - د - ج

(سراسری انسانی اقتصادی، ۹۱)

۱۴۱- ترتیب ابیات زیر از حیث داشتن آرایه‌های (تضاد - تشبیه مرجح - اسلوب معادله - تناقض) کدام است؟

- الف) جوان را صحبت پیران حصار عافیت باشد
ب) نظر به روی تو خورشید بر نمی‌دارد
ج) از نسیمی دفتر ایام بر هم می‌خورد
د) جمعیتی که از دل ویران به من رسید
- ۱) الف - ج - د - ب
۲) ج - ب - الف - د
۳) ج - ب - د - الف
۴) د - الف - ب - ج

(سراسری انسانی، ۹۱)

۱۴۲- آرایه‌های بیت «هر چند چو گل گوش فکنیم در این باغ / حرفی که برد راه به جایی نشنیدیم» کدام‌اند؟

- ۱) مجاز - ایهام - حس آمیزی - مراعات نظیر
۲) تشبیه - تشخیص - جناس - حس آمیزی
۳) استعاره - مراعات نظیر - تشخیص - ایهام
۴) تشبیه - مجاز - کنایه - استعاره

(تالیفی)

۱۴۳- آرایه‌های (کنایه - استعاره - پارادوکس - تشبیه - حس آمیزی) به ترتیب در کدام گزینه یافت می‌شود؟

- الف) من پرستار دو چشم خوش بیمار توام
ب) چون نبود او را معین خانه ای
ج) هر خسی از رنگ گفتاری بدین ره کی رسد
د) خلق همه یکسره نهال خدایند
ه) به خنده، ای بت بادام چشم شیرین لب
- ۱) د - ج - ه - ب - الف
۲) ب - ه - الف - د - ج
۳) د - الف - ه - ج - ب
۴) ب - ه - الف - د - ج

(سراسری ریاضی، ۹۰)

۱۴۴- در بیت «ای از حیای لعل لب گشته آب، می / خورشید پیش آتش روی تو کرده خوی» کدام آرایه‌های ادبی یافت می‌شود؟

- ۱) استعاره - اغراق - تشخیص - مجاز
۲) استعاره - تشبیه - تضاد - اسلوب معادله
۳) تشبیه - کنایه - تشخیص - تضاد
۴) کنایه - تضاد - اغراق - تلمیح

(سنجش، ۱۹)

۱۴۵- در بیت «ساقیا، لطف نمودی قدحت پر می باد / که به تدبیر تو تشویش خمار آخر شد» کدام آرایه‌های ادبی یافت می‌شود؟

- ۱) کنایه - مجاز - تشبیه
۲) تناسب - استعاره - تشبیه
۳) استعاره - کنایه - واج‌آرایی
۴) واج‌آرایی - تناسب - مجاز

(سراسری تهرنی، ۸۶)

۱۴۶- در بیت پیش‌رو کدام آرایه وجود ندارد؟ «رسید باد صبا، غنچه در هواداری / ز خود برون شد و بر تن درید پیراهن»

- ۱) تشخیص
۲) تلمیح
۳) کنایه
۴) استعاره

(تالیفی)

۱۴۷- ترتیب ابیات زیر از حیث داشتن آرایه‌های (تلمیح - اغراق - مجاز - جناس) کدام است؟

- الف) سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی
ب) گر برگ گل سرخ کنی پیرهنش را
ج) گاه سفر شد باره بر دامن برانیم
د) مشو دل بسته هستی که دوران
- ۱) د - ج - الف - ب
۲) ج - الف - ب - د
۳) ج - ب - الف - د
۴) ج - الف - ب - د



(سراسری خارج از کشور، ۸۹)

۱۴۸- در کدام بیت همه آرایه‌های « کنایه، تشبیه، جناس تام و جناس ناقص» به کار رفته است؟

- الف) زمانه گرچه بسی بر سرم سپاس نهاد
 ب) جهان بر آب نهاده است و زندگی بر باد
 پ) دلم که چون سر زلف تو می رود بر باد
 ت) گره ز دل بگشا و ز سپهر یاد مکن
- کمند زلف تو باری دگر به دستم داد
 غلام همت آنم که دل بر او نهاده
 به دام عشق درافتاد هر چه بادا باد
 که فکر هیچ مهندس چنین گره نگشاد

(سراسری خارج از کشور، ۸۸)

۱۴۹- کدام آرایه در بیت زیر یافت می شود؟

- « چرخ گرد از هستی من گر برآرد گو برآر / دور بادا دور از دامان نامم گرد ننگ »
- الف) استعاره- تشبیه - جناس - کنایه
 ب) تشبیه- تکرار- تشخیص - متناقض نما
 ج) تکرار - مجاز- ایهام تناسب- تلمیح
 د) کنایه - جناس - استعاره - ایهام تناسب

(سراسری خارج از کشور، ۸۷)

۱۵۰- در کدام بیت هر سه آرایه « استعاره، تضاد، کنایه» به کار رفته است؟

- الف) گلزار رخت هست چنان تازه بهیاری
 ب) گر ندیدی قبض و بسط عشق را بر یک بساط
 پ) تواز کوتاه بینی‌ها اجل را دور می‌دانی
 ت) جام جم ار طلبی مجلس ما را دریاب
- کاو را خللی نیست ز هر باد خزانی
 گریه می‌نا نگر خندیدن ساغر بین
 وگر نه غایبی از مرگ حاضرتر نمی‌باشد
 کز گدایی در می‌کده سلطان شده‌ایم

(سراسری خارج از کشور، ۸۸)

۱۵۱- در کدام بیت آرایه ایهام به کار رفته است؟

- الف) شام اگر قوت روانم دادی از خون جگر
 ب) گر چین سر زلف تو مشاطه گشاید
 پ) گل عذاری ز گلستان جهان ما را بس
 ت) تا خود نشوی شانه به زلفش نرنی چنگ
- صبح یاقوت روان از جام جم دادی مرا
 عطار به یک جو نخرده نافه چین را
 زین چمن سایه آن سرو روان ما را بس
 انگشت کسی کارگشای دگری نیست

(سراسری ریاضی، ۹۳)

۱۵۲- آرایه‌های بیت زیر کدام اند؟

- ۱) کنایه، تشبیه، مجاز، ایهام
 ۲) مجاز، استعاره، حسن تعلیل، کنایه
 ۳) استعاره، تشبیه، جناس، تشخیص
 ۴) ایهام، تشخیص، حسن تعلیل، جناس

(سراسری ریاضی، ۹۳)

۱۵۳- آرایه‌های تشبیه در کدام بیت بیشتر است؟

- ۱) صد خار بلا از دل دیوانه ما خاست / هر روز که بی ساقی گل چهره نشستیم
 ۲) ای سیل اشک خاک وجودم به باد ده / تا بر دل کسی ننشیند غبار من
 ۳) سروی است قامت تو از ناز سر کشیده / ماهی است عارض تو از نور آفریده
 ۴) مرغ دل تا دام زلف و دانه خال تو دید / طایر اندیشه‌ام افتاد در دام هوس

(سراسری ریاضی، ۹۳)

۱۵۴- آرایه‌های « مجاز، کنایه، متناقض نما، حسن تعلیل و اسلوب معادله » به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟

- الف) به اندک فرصتی از سفله رو گردان شود دولت / که باشد نعل در آتش به دست دیو خاتم را
 ب) مرا بر خشک مغزی‌های زاهد گریه می‌آید / به غیر از اشک حسرت نیست باری نخل ماتم را
 ج) قضای روزه زان باشد گران بر خاطر مردم / که دشوار است تنها بر گرفتن بار عالم را
 د) هر چه رفت از کف به دست آوردن او مشکل است / چون کند گردآوری گل بوی غارت برده را
 ه) افتادگی برآورد از خاک دانه را / گردنکشی به خاک نشانند نشانه را

- ۱) ج، ب، د، الف، هـ ۲) ج، الف، د، هـ، ب ۳) د، الف، هـ، ج، ب ۴) د، ب، هـ، الف، ج



۱۵۵- آرایه‌های « تشبیه، استعاره، حسن تعلیل، ایهام و اغراق » به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟

(سراسری ریاضی، ۹۳)

الف) ز سوز شوق دلم شد کباب، دور از یار
ب) یارب به وقت گل گنه بنده عفو کن
ج) بس که حرف حق کسی در دهر نتواند شنید
د) ز تاب آتش سودای عشقش
ه) از آب دیده صد ره طوفان نوح دیدم
۱) د، ج، ب، ه، الف ۲) د، ب، ج، الف، ه

مدام خون جگر می‌خورم ز خوان فراق
وین ماجرا به سرو لب جو بیار بخش
گیرد اول در اذان گفتن مؤذن گوش را
بسان دیگ دائم می‌زند جوش
وز لوح سینه نقشت هرگز نگشت زایل
۳) ه، ب، الف، ج، د ۴) ب، ج، الف، د، ه

۱۵۶- آرایه مقابل کدام بیت نادرست است؟

(سراسری تهری، ۹۳)

۱) به لطف اگر بخوری خون من روا باشد
۲) تو که زاهدی به پرهیز تو که عابدی سحرخیز
۳) بوی جان از لب خندان قدح می‌شنوم
۴) چون مست می‌شوید ز شرب مدام دوست

به قهرم از نظر خویشتن مران ای دوست (حسن تعلیل)
سر من مدام مست و شب من سحر ندارد (کنایه)
بشنو ای خواجه اگر زان که مشامی داری (استعاره)
مستی بنده هم به دعا آرزو کنید (ایهام)

۱۵۷- کدام آرایه‌ها «تماما» در بیت زیر وجود دارد؟

(سراسری تهری، ۹۳)

ماه و پروین از خجالت رخ فرو پوشد اگر
۱) مجاز - کنایه - تشبیه - استعاره
۲) استعاره - تلمیح - حسن تعلیل - تشبیه
۳) مجاز - اسلوب معادله - تضاد - کنایه
۴) تشخیص - حسن تعلیل - جناس - متناقض نما

۱۵۸- ترتیب ابیات زیر از حیث داشتن آرایه‌های (استعاره - کنایه - حس آمیزی - جناس- تناقض) کدام است؟

(سراسری خارج از کشور، ۹۵)

الف- ز کویس نسیم صبا بوی برود
ب- غریب نیست ز من گر غریب شهر خودم
ج- با باد بوده همره بوی تو در سحرگره
د- تا ابد بوی محبت به مشامش نرسد
ه- خواهی نکند خطش از دایره بیرون
۱) الف، ه، ج، ب، د
۲) د، الف، ه، ج، ب
۳) د، ه، ج، الف، ب
۴) ب، ج، الف، د

به بویش دلم پی بدان کوی برود
که کرد عشق تو بیگانه آشنایان را
گل‌ها شنیده بوی خود را به باد داده
هر که خاک در میخانه به رخساره نرفت
هر حکم که فرماید سر بر خط فرمان باش
۲) د، الف، ه، ج، ب
۴) ه، ج، ب، الف، د

۱۵۹- آرایه‌های « تشبیه، استعاره، حسن تعلیل، ایهام و اغراق » به ترتیب در کدام ابیات یافت می‌شود؟

(سراسری تهری، ۹۵)

الف) ز سوز شوق دلم شد کباب، دور از یار
ب) یارب به وقت گل گنه بنده عفو کن
ج) بس که حرف حق کسی در دهر نتواند شنید
د) ز تاب آتش سودای عشقش
ه) از آب دیده صد ره طوفان نوح دیدم
۱) د، ج، ب، ه، الف ۲) د، ب، ج، الف، ه

مدام خون جگر می‌خورم ز خوان فراق
وین ماجرا به سرو لب جو بیار بخش
گیرد اول در اذان گفتن مؤذن گوش را
بسان دیگ دائم می‌زند جوش
وز لوح سینه نقشت هرگز نگشت زایل
۳) ه، ب، الف، ج، د ۴) ب، ج، الف، د، ه